

حیات عائله

مجموعه‌ای از منتخبات آثار مبارکه طلعات مقدسه و توابع حضرت ولی امرالله و پیام‌های
بیت‌العدل اعظم الهی

تهیه شده توسط: دارالتحقیق بین‌المللی^۱

مارس ۲۰۰۸

ملاحظه نمایید چون اتحاد و اتفاق در میان خاندانی واقع شود، چه قدر
امور سهل و آسان گردد و راحت و آسایش میسر شود؛ خاندان محفوظ
ماند، مقام محفوظ شود، سبب غبطه عموم گردد و روز به روز بر علویت و
عزت ابدیه بیفزاید.

حضرت عبدالبهاء

عنوان	شماره بیان
۱- حفظ پیوند بین زن و شوهر	۱ - ۳۸
۲- روابط و مسئولیت‌های والد - فرزند	۳۹ - ۸۱
۳- تقویت حیات عائله	۸۲ - ۱۲۱

^۱ این مجموعه توسط جامعه بهائی ایران به فارسی ترجمه شده است.

۱- حفظ پیوند بین زن و شوهر

منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله

۱- فلَمَّا أَرَادَ نَظْمَ الْعَالَمِ وَإِظْهَارَ الْجُودِ وَالْكَرَمِ عَلَى الْأُمَّمِ شَرَعَ الشَّرَائِعَ وَأَظْهَرَ الْمَنَاهِجَ وَفِيهَا سُنُّهُ النَّكَاحِ وَجَعَلَهُ حَصْنًا لِلنَّجَاحِ وَالْفَلَاحِ وَأَمَرْنَا بِهِ فِي مَا نُزِّلَ مِنْ مَلَكُوتِ الْمُقَدَّسِ فِي كِتَابِهِ الْأَقْدَسِ. (خطبهء نکاح، عالم بهائی، ج ۴، ص ۱۸۲)

۲- تَزَوَّجُوا يَا قَوْمَ لِيُظْهَرَ مِنْكُمْ مَنْ يَذْكَرُنِي بَيْنَ عِبَادِي. هَذَا مِنْ أَمْرِي عَلَيْكُمْ؛ اتَّخِذُوهُ لِأَنْفُسِكُمْ مُعِينًا. (کتاب مستطاب اقدس، بند ۶۳)

۳- جميع باید بدانند و در این رابطه به جلال شمس یقین واصل گردند و منور شوند: رجال و نساء عندالله در صقع واحد محسوب بود و لایزال خواهند بود. سطوع ضیاء از مطلع نور الهیه به جميع یکسان بوده؛ فی الحقیقه خداوند نساء را از برای رجال و رجال را برای نساء خلق فرموده است. محبوبترین نفوس عندالله نفسی است که به اعظم مدارج استقامت فائز گردد و در محبت الهی، جلّ جلاله، از سایرین سبقت گیرد. (ترجمه / بیان حضرت بهاءالله)

۴- رَأْسُ الْهَمَّةِ هِيَ انْفِاقُ الْمَرْءِ عَلَى نَفْسِهِ وَعَلَى أَهْلِهِ وَالْفُقْرَاءِ مِنْ إِخْوَتِهِ فِي دِينِهِ. (ادعیه محبوب، طبع طهران، ص ۴۲)

منتخباتی از آثار و بیانات حضرت عبدالبهاء

۵- عقد بهائی ارتباط بین طرفین است و تعلق خاطر بین جهتین؛ ولی باید نهایت دقت بنمایند و بر اخلاق همدیگر واقف شوند و عهد وثیق ارتباط ابدی حاصل شود و مقصد الفت و رفاقت و وحدت و حیات سرمدی باشد... عقد حقیقی بهائیان این است که باید بین طرفین روحاً جسماً التیام تام حاصل گردد تا در جميع عوالم الهی اتحاد ابدی داشته باشند و حیات روحانی یکدیگر را ترقی دهند. این است عقد بهائی. (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۱۱۵ / فقره ۸۶)

۶- در میان خلق ازدواج عبارت از ارتباط جسمانی است و این اتحاد و اتفاق موقت است؛ زیرا فرقت جسمانی عاقبت مقرر و محتوم است؛ ولیکن ازدواج اهل بهاء باید ارتباط جسمانی و روحانی هر دو باشد. زیرا هر دو سرمست یک جامند و منجذب به یک طلعت بی مثال؛ زنده به یک روحند و روشن از یک انوار. این روابط

روحانیه است و اتحاد ابدی است و همچنین در عالم جسمانی نیز ارتباط محکم متین دارند. ارتباط و اتحاد و اتفاق چون از حیثیت روح و جسم هر دو باشد، آن وحدت حقیقی است، لهذا ابدی است. اما اگر اتحاد مجرد از حیثیت جسم باشد، البته موقت است و عاقبت مفارقت محقق. پس باید اهل بهاء چون رابطه ازدواج در میان آید، اتحاد حقیقی و ارتباط معنوی و اجتماعی روحانی و جسمانی باشد تا در جمیع مراتب وجود و در جمیع عوالم الهی این وحدت ابدی گردد. زیرا این وحدت حقیقی جلوه‌ای از نور محبت‌الله است. (مکتوباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۱۱۴)

۷- ای دو مؤمن بالله خداوند بی‌مانند زن و مرد را آفریده که با یکدیگر در نهایت الفت آمیزش نمایند و زندگانی کنند و حکم یک جان داشته باشند. زن و مرد دو رفیق و انیس هستند که باید در غم یکدیگر شریک باشند. چون چنین باشند، در نهایت خوشی و شادمانی و آسایش دل و جان در این جهان زندگانی کنند و در ملکوت آسمانی مظهر الطاف الهی گردند؛ والا در غایت تلخی عمر به سر برند و هر دم آرزوی مردن نمایند و در جهان آسمانی نیز شرمسار باشند. پس بکوشید که با یکدیگر مانند دو کبوتر در آشیان آمیزش دل و جان نمایید. این است خوشبختی در دو جهان. (مکتوباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۱۱۹)

۸- باری، اساس ملکوت الهی الفت و محبت است. اتحاد است نه اختلاف؛ علی‌الخصوص بین زوج و زوجه. اگر سبب طلاق یکی از این دو باشد، البته در مشقات عظیمه افتد و به وبال عظیمی گرفتار گردد و بی‌نهایت نادم و پشیمان شود. (گنجینه حدود و احکام، ص ۲۷۸ / هدیه ازدواج، ص ۱۴)

۹- تأسیس عائله خیلی مهم است. تا انسان جوان است، از غرور جوانی ملتفت نمی‌شود، ولی چون پیر شد افسوس می‌خورد. در این امر، حیات عائله باید مثل حیات ملائک سماء باشد؛ روحانیت و سرور باشد؛ اتحاد و اتفاق باشد؛ موافقت جسمانی و عقلانی باشد؛ خانه منظم و مرتب باشد؛ افکارشان مانند اشعه‌های شمس حقیقت و ستاره‌های روشن سماء باشد. چون دو مرغ بر شاخسارهای شجر وحدت و یگانگی بسرایند؛ همیشه پُر فرح و سرور باشند و سبب سرور قلوب دیگران شوند. برای دیگران سرمشق باشند؛ برای یکدیگر محبت صمیمی حقیقی داشته باشند؛ اطفال خود را خوب تربیت نمایند تا سبب افتخار و اشتها آن عائله گردد. (گنجینه حدود و احکام، ص ۱۶۱ / هدیه ازدواج، ص ۱۲)

۱۰- در اقتران هرچه دورتر موافق‌تر؛ زیرا بُعد نسبت و خویشی بین زوج و زوجه مدار صحت بُنیه بشر و اسباب الفت بین نوع انسانی است. (یادداشت‌های منضم به کتاب اقدس، ص ۱۹۴ / یادداشت ۱۳۳)

۱۱- در ازدواج حکمت الهیه چنان اقتضا می‌نماید که از جنس بعید باشد؛ یعنی بین زوجین هرچند بُعد بیشتر، سلاله قوی‌تر و خوش‌سیماتر و صحت و عافیت بهتر گردد. (مکتوبات عبدالبهاء، ج ۳، ص ۳۷۰)

۱۲- یقیناً الیوم همه باید به محبت، وحدت و مهربانی، اتحاد، رفاقت و دوستی و عبادت الهی دعوت شوند. امیدوارم تو و قرین عزیزت به کمال روح و ریحان در خدمت مداومت نمایید و در این عالم دو شمع نورانی باشید و از افق ابدیه به مثابه دو نجم درّی بتابید. (ترجمه / بیان حضرت عبدالبهاء / صفحه ۳۲۴ جلد دوم *Tablets of Abdu'l-Baha*)

۱۳- ... أما قرینکِ الکریم یقتضی أن تعاملیه أحسن معاملۀ و تواظبی علی رضائۀ و المداراۀ معہ فی کلّ الأحوال حتّی یری بأنکِ بتوجّہکِ الی ملکوتِ اللّٰه زادت رأفتکِ معہ و محبتکِ للّٰه و مراعاتکِ لرضائۀ فی کلّ حال. و انّی أتضرّع الی اللّٰه أن یجعلکِ مستقیمۀ علی حبّ اللّٰه و ناشرةً لِنفحاتِ القدس فی تلك البقاع. (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۱۱۹)

۱۴- ای امه الله مکتوبت واصل گردید. قرین عزیزت مایل به اکمال تحصیل و تو مشتاق سفر به خطهء افریقی. حال، باید با هم مشورت کنید، نهایت محبت بنمایید و در تصمیمی صحیح اتفاق کنید و کاملاً متحد باشید؛ چه که زن و شوهر باید چون نفس واحد باشند تا در هر امری موفق گردند. (ترجمه)

۱۵- سؤال نمودی که آیا شوهر می تواند همسرش را از اقبال به نور الهی منع کند یا زنی شوهرش را از دخول در ملکوت الهی ممانعت نماید. فی الحقیقه هیچیک از آنها نمی توانند دیگری را از دخول در ملکوت منع کنند مگر آن که شوهر وابستگی شدید به قرینهء خود داشته باشد یا زن به قرین خویش. فی الواقع هر یک از آن دو جز خدا را عبادت نمایند، در این صورت می توانند دیگری را از حضور در ملکوت الهی منع نمایند. (ترجمه)

منتخباتی از مکاتیبی که از طرف حضرت ولی امرالله مرقوم شده

۱۶- موجب حزن و تأثر است که ... زنان و شوهران همیشه وحدت نظر نداشته اند. به اعتقاد من، در جمیع این موارد، مولای فقید ما توصیه می فرمودند که آحاد احبّایی که شوهرشان نسبت به کار آنها نظر موافقی نداشت، نهایت دقت و ملاحظه را مرعی دارند. به نظر ایشان شاید آنها را باید با محبت جذب نمود نه با بحث و استدلال؛ اما اگر شوهر بیش از آنچه که همسرش برای خانواده اش انجام می دهد، با خدمت او به امر الهی مخالف باشد، اسف انگیز است. (ترجمه / مکتوب ۲۰ مارس ۱۹۲۸ خطاب به یکی از احبّاء)

۱۷- وقتی چنین اختلاف نظر و عقیده ای بین زن و شوهر رخ می دهد بسیار اسف انگیز است زیرا تردیدی نیست که پیوند روحانی را که حصن حصین رابطهء عائله، بالاخص در مواقع بروز مشکلات است، تضعیف می کند. اما، طریق حلّ این مشکل ابدایی اعتنایی و برودت نسبت به طرف مقابل نیست. یکی از اهداف امر مبارک عملاً ایجاد پیوندی محکم تر در خانواده ها است. لهذا، در کلیه مواردی از این قبیل، حضرت مولی الوری تسلیم شدن در

مقابل خواسته‌های طرف دیگر و در عین حال دعا و مناجات را توصیه می‌فرمودند. دعا کنید تا همسر شما تدریجاً نور را مشاهده نماید و در عین حال طوری عمل کنید که او را نزدیکتر نمایید نه آن که او را به تعصّب مبتلا سازید. وقتی اتفاق برقرار شد در آن صورت قادر خواهید بود بدون هیچ مانعی به خدمت پردازید. (ترجمه / مکتوب ۱۵ ژوئیه ۱۹۲۸ به یکی از احباء)

۱۸- حضرت ولی امرالله اطمینان دارند که ... قرینه شما قادر خواهد بود وقت بیشتری را به عائله خود اختصاص دهد، اما ایشان همچنین امیدوارند که شما بتوانید در تأمین وقت و فرصت برای خدمت به امر مبارک که اینقدر برای او عزیز و مقصود قلبی او است و خدماتش به آن بسیار موجب تقدیر است، به مشارالیها کمک کنید. (ترجمه / مکتوب ۱۹ ژوئن ۱۹۳۱ به یکی از احباء)

۱۹- این که از نوع و کیفیت ازدواج بهائی سؤال نموده بودید؛ به طوری که مرقوم داشته‌اید، ازدواج بهائی معلق به رضایت کامل ابوی طرفین است و نیز این که نوشته بودید اصل وحدت عالم انسانی نمی‌گذارد شخص بهائی حقیقی موضوع نژاد را مانعی برای تحقق امر ازدواج قرار دهد، کاملاً با تعالیم آیین الهی در این خصوص مطابق است. زیرا حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء هرگز امر ازدواج بین‌الجناس را ردّ نفرموده و مذموم نشمرده‌اند. در حقیقت تعالیم بهائی من حیث‌الاصول مافوق تمام حدودات نژادی است و لهذا هرگز نباید و نمی‌توان آن را در ردیف هیچیک از مکتب‌های فلسفه نژادی محسوب داشت. (نقل ترجمه مکتوب ۲۷ ژانویه ۱۹۳۵ به یکی از محافل روحانی ملی از صفحه ۱۲-۱۱ نظامات بهائی)

۲۰- لذا، معیار اخلاقیات جنسی در امر بهائی بسیار متعالی است، اما به هیچ وجه به نحوی غیرمنطقی خشک و انعطاف‌ناپذیر نیست. در حالی که رابطه جنسی آزاد تقبیح می‌شود، اما ازدواج به عنوان عملی مقدّس محسوب می‌گردد که، هر انسانی، اگرچه ملزم نمی‌گردد، باید تشویق شود به آن مبادرت نماید. غریزه جنسی، مانند سایر غرایز بشری، ضرورتاً شرّ و مضرّ نیست. بلکه قوه‌ای است که، اگر در جهت صحیح هدایت شود، می‌تواند سبب مسرت و رضایت فرد شود. اگر مورد سوءاستفاده یا کاربرد نادرست قرار گیرد، البته، موجب مضرات نامتناهی نه تنها برای فرد بلکه برای جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند نیز خواهد شد. اگرچه بهائیان ریاضت و جمیع انواع افراطی تذلیل نفس را تقبیح می‌کنند، اما در عین حال نظریه‌های فعلی اخلاقیات جنسی را که جز تخریب جامعه انسانی ثمری ندارد، ابداً تأیید نمی‌نمایند. (ترجمه / مکتوب ۲۹ مه ۱۹۳۵ به یکی از احباء / صفحه ۴۳۵ *Unfolding Destiny*)

۲۱- زیرا حضرت بهاءالله در کتاب احکام خود بالصرّاحه می‌فرمایند که مقصود از ازدواج تولید فرزندان است که، چون به ثمر آیند، بتوانند به عرفان الهی نائل آیند و اوامر و احکامش را که توسط رسولانش نازل شده عمل

کنند. به این ترتیب، ازدواج طبق تعالیم بهائی اساساً اقدامی اجتماعی و اخلاقی است. دارای هدفی است که به مراتب متعالی‌تر از حوائج فوری و علائق شخصی والدین است. (ترجمه / مکتوب ۲۹ مه ۱۹۳۵ به یکی از احباء / انوار هدایت، شماره ۱۱۶۰)

۲۲- اما راجع به طرز تلقی قرین شما نسبت به امر مبارک؛ اگرچه ممکن است غیردوستانه باشد اما شما باید همیشه امیدوار باشید که، با وسائل مصالحه‌جویانه و دوستانه، و با مجهودات خردمندانه، در کمال تدبیر و بردباری، بتوانید تدریجاً در جلب نظر مساعد وی به امر مبارک توفیق یابید. شما تحت هیچ شرایطی نباید سعی کنید اعتقادات دینی خود را به او تحمیل نمایید یا به جبر بقبولانید. ضمناً نباید اجازه دهید مخالفت او با امر مبارک شما را از مجهوداتتان برای انتشار آن منع کند... باید در کمال بردباری و تدبیر و با اطمینان تام که حضرت بهاءالله شما را هدایت و تقویت خواهند فرمود، عمل نمایید. (ترجمه / مکتوب ۲۳ ژوئیه ۱۹۳۷ به یکی از احباء)

۲۳- اما، اگرچه حضرت ولی امرالله میل شما به تخصیص تمام زندگی خود به خدمت امرالله را مورد تأیید و تصویب قرار می‌دهند، اما معتقدند لازم است توجه شما به این واقعیت جلب شود که در صورتی که ازدواج نماید وظیفه شما به عنوان یک همسر بهائی این است که از وظائف مربوط به منزل خود، که مسلماً بخشی حیاتی و دقیق از فعالیت کلی امری شما را تشکیل می‌دهد، غفلت ننمایید. البته، ملاحظات خانوادگی باید تحت الشعاع مصالح و علائق امرالله قرار گیرد. اما، اگر فرد بهائی مایل است زندگی عادی، متعادل و سازنده‌ای داشته باشد، باید برای آنها نیز اهمیت لازم را قائل شود. علائقی که فرد بهائی با آنها روبرو است به همان اندازه الزام‌آور و مهم نیستند، اما این مطلب ضرورتاً آنها را با یکدیگر ناسازگار نمی‌سازد. (ترجمه / مکتوب ۲۳ نوامبر ۱۹۳۷ به یکی از احباء)

۲۴- خلاصه‌ای مطلب آن که تعبیر بهائی از روابط جنسی مبتنی بر این اعتقاد است که عفت و عصمت، نه تنها به این علت که از لحاظ اخلاقی فوق‌العاده مستحسن و ممدوح است بلکه به این علت نیز که تنها راه برخورداری از زندگی زناشویی سعادت‌مند و موفق است، باید اکیداً توسط مرد و زن، هر دو، رعایت شود. لهذا، روابط جنسی به هر شکل و صورت خارج از چارچوب ازدواج مجاز نیست، و هر نفسی که از این حکم تخطی نماید نه تنها در مقابل خداوند مسئول خواهد بود، بلکه متحمل مجازات لازم از طرف جامعه نیز خواهد شد.

امر بهائی ارزش‌گریزه جنسی را تصدیق می‌کند، اما تجلی نامشروع و نادرست آن به صورت روابط جنسی آزاد، زناشویی دوستانه^۲ و سایر موارد را، که شدیداً مضر به حال انسان و جامعه محل زندگی او تلقی می‌کند،

^۲ مترجم: در این نوع ازدواج (companionate marriage) طرفین موافقت می‌کنند فرزند به دنیا نیاورند، هر زمان که یکی از طرفین مایل به طلاق بود دیگری هم رضایت به جدایی بدهد و هیچکدام مسئول تأمین مخارج دیگری نیست (فرهنگ امریکن هریتیج).

تقیح می‌نماید. استفاده صحیح از غریزه جنسی حق طبیعی هر فردی است، و دقیقاً برای همین مقصود است که مؤسسه ازدواج تأسیس شده است. بهائیان معتقد به سرکوب غریزه جنسی نیستند بلکه قرار گرفتن آن تحت انضباط و مقررات را اعتقاد دارند. (ترجمه / مکتوب ۵ سپتامبر ۱۹۳۸ به یکی از احباء / انوار هدایت، شماره ۱۱۵۶)

۲۵- مؤسسه ازدواج، آنچنان که حضرت بهاء الله تأسیس فرموده‌اند، در عین حال که اهمیت لازم برای وجه عنصری اتحاد زناشویی قائل است، آن را فرع بر اهداف و وظائف اخلاقی و روحانی می‌داند که خداوند علیم و ودود برای آن تعیین کرده است. تنها زمانی که به این ارزش‌های متفاوت اهمیت لازم داده شود، و فقط بر مبنای فرع قرار گرفتن وجه جسمانی نسبت به وجه اخلاقی، و جنبه عنصری نسبت به جنبه روحانی است که از چنین زیاده‌روی‌ها و لاقیدی‌ها در روابط زناشویی که عصر منحط ما متأسفانه شاهد آن است می‌توان احتراز نمود، و حیات عائله را به جایگاه مطهر اصلی خود اعاده داد، و مقصود حقیقی‌اش را که خداوند برای اجرای آن به وجودش آورده، تحقق بخشید. (ترجمه / مکتوب ۸ مه ۱۹۳۹ به یکی از احباء)

۲۶- سؤالی را که مطرح نمودید که پیوند عمیق عاشقانه با کسی غیر از همسر در زندگی فرد می‌تواند داشته باشد، با توجه به تعالیم مبارکه به سهولت می‌توان توضیح داد. عفت و عصمت تلویحاً به زندگی جنسی پاک و طاهر، که چه قبل از ازدواج و چه بعد از آن آلوده نشده باشد، اشاره دارد. انسان باید قبل از ازدواج مطلقاً عقیف و با عصمت باشد، و بعد از ازدواج به انیس و همدمی که انتخاب کرده کمال وفاداری را مرعی دارد. وفاداری در کلیه اعمال جنسی، وفاداری در قول و در عمل... خارج از زندگی زناشویی عادی و مشروع، آنها باید طالب برقراری پیوندهای رفاقت و محبتی باشند که ابدی و مبتنی بر حیات روحانی، و نه زندگی جسمانی، بشری است. این یکی از زمینه‌های بسیاری است که بر احباء واجب است که مثال و سرمشق حیات انسانی واقعی باشند؛ یعنی تعالی روح انسانی و وجود جسم به عنوان ابزاری برای روح منیر و آگاه. لزومی به ذکر نیست که این مطلب مانع از برخورداری از زندگی کاملاً عادی جنسی و هدایت مشروع آن در ازدواج نیست. (ترجمه / مکتوب ۲۸ سپتامبر ۱۹۴۱ به یکی از احباء)

۲۷- هیکل مبارک از شنیدن مشکلاتی که بین شما و همسران درباره تربیت فرزندان رخ داده بسیار متأسف شدند. در جمیع مواردی که بهائیان با غیربهائیان ازدواج می‌کنند، بخصوص کسانی که تابع دینانی دیگر هستند، باید قبل از ازدواج در مورد تعلیمات دینی آینده فرزندان به تفاهم برسند؛ وقتی که چنین کاری انجام نشده باشد، و اگر والدین به توافق نرسند، فرد بهائی باید برای کسب هدایت به محفل روحانی مراجعه نماید. (ترجمه / مکتوب ۸ سپتامبر ۱۹۴۷ به یکی از احباء)

۲۸- اعتقاد راسخ هیکل مبارک آن است که بهائیان، بالاخص احبائی که مانند شما و خانواده‌تان با جدیت و به نحوی مشهود به امر مبارک خدمت می‌کنند، در صورت امکان باید در جمیع موارد مثال و سرمشقی عالی برای احبای جدید و نیز جوانان بهائی باشند. همانطور که حضرت بهاءالله ابدأً نظر مساعدی نسبت به طلاق ندارند (با آن که آن را مجاز شمرده‌اند) و ازدواج را مسئولیتی بسیار مقدّس محسوب داشته‌اند، احباء باید آنچه را که در توان دارند برای حفظ عقد و پیمان ازدواجی که منعقد نموده‌اند به کار ببرند، و ان را به اتّحادی نمونه که تحت تأثیر شریف‌ترین نوایا و انگیزه‌ها است تبدیل کنند. (ترجمه / مکتوب ۱۹ اکتبر ۱۹۴۷ خطاب به یکی از احباء)

۲۹- مسائل ازدواج غالباً بسیار غامض و ظریف است، و ما بهائیان، که نفوسی روشن‌بین و مترقّی هستیم، در صورتی که ضروری یا مطلوب باشد، در این گونه نباید از روی آوردن به علم جهت کسب مساعدت ادنی درنگی بنماییم. اگر شما و همسرتان - همراه هم یا جداگانه - در مورد مسائل‌تان با طیبی حاذق مشورت می‌کردید ممکن بود دریابید که می‌توانید شوهرتان را معالجه نمایید، یا حداقل در این زمینه سعی نمایید. بسیار جای تأسف است که دو تن از یاران، که در این امر جلیل ارجمند پیمان اتّحاد بسته‌اند، و از برکت داشتن عائله برخوردارند، نتوانند واقعاً در کمال اتّفاق و یگانگی با یکدیگر زندگی کنند، و به اعتقاد هیکل مبارک شما باید به اقدامی سازنده دست بزنید و اجازه ندهید اوضاع از این وخیم‌تر شود. وقتی سایه جدایی بر سر زن و شوهر بیفتد آنها در مساعی خود برای جلوگیری از تحقّق جدایی، نباید از هیچ کاری مضایقه نمایند. (ترجمه / مکتوب ۵ ژوئیه ۱۹۴۹ خطاب به یکی از احباء)

۳۰- هیکل مبارک توصیه می‌فرمایند که، حداقل برای مدّتی، سعی نمایید و با اختصاص دادن اوقات خود به شوهرتان و با پیشه کردن صبر و شکیبایی و ابراز محبّت حقیقی به وی، او را خشنود نمایید. شاید به این طریق بتوانید شدّت مخالفت وی با امر مبارک را تقلیل دهید. امّا، او حق ندارد سعی کند شما را به اعراض از امر مبارک مجبور نماید. رابطه بین روح انسانی و خالقش کاملاً شخصی و مقدّس است و احدی حق ندارد در این مواضع موردی را به کسی تحمیل نماید. (ترجمه / مکتوب ۱۷ فوریه ۱۹۵۰ به یکی از احباء)

گزیده‌هایی از پیام‌های نوشته شده توسط بیت‌العدل اعظم یا از طرف آن معهد اعلی

۳۱- هدف از ظهور حضرت بهاءالله تحقّق وحدت در عالم است و یکی از موارد بنیادی آن وحدت خانواده است. لهذا، باید اعتقاد راسخ داشت که نیت امر مبارک تقویت خانواده است نه تضعیف آن. فی‌المثل، خدمت به امر مبارک نباید سبب غفلت از خانواده شود. آنچه حائز اهمّیت است آن که شما اوقات خود را به‌نحوی تنظیم

نمایید که حیات عائله شما از کمال وفاق برخوردار و اهل خانواده از توجّهی که بدان نیاز دارند بهره‌مند گردند. حضرت بهاء‌الله بر اهمّیت مشورت نیز تأکید دارند. نباید تصوّر نماییم که این روش ارزشمند جهت یافتن راه‌حل‌ها منحصر به تشکیلات اداری امرالله است. مشورت خانواده با استفاده از بحث و مذاکره کامل و صادقانه، و با وقوف بر نیاز به اعتدال و موازنه، می‌تواند نوشاری برای اختلافات داخلی باشد. همسران نباید سعی بر یافتن سُلطه بر شوهران خود نمایند و شوهران نیز نباید در این سبیل قدم بردارند. (ترجمه / مکتوب اوّل اوت ۱۹۷۸ از طرف بیت‌العدل اعظم به یکی از احبّاء)

۳۲- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء ... که در بند اوّل مکتوب خود به آن اشاره نموده‌اید، صرفاً یک توصیه است نه امر.^۳ به‌علاوه، این مکتوب به اعزاز بعضی از نسوان بهائی در ایران عزّ صدور یافته که باید در جهت کسب هدایت در خصوص وضعیتی خاصّ عریضه به حضور مبارک نوشته باشند. متأسّفانه، شأن صدور این لوح مبارک معلوم نیست، زیرا تقاضا یا عریضهء مربوطه در دست نیست. بنابراین، نقل قول از لوح مزبور باید به عنوان توصیه‌ای تلقّی گردد که در رابطه با وضعیتی معین صادر شده است. این نقل قول، مانند بسیاری از سایر موارد، در مجموعه‌ای که آثار مبارک در باره و جوه گوناگون حیات عائله را در اختیار یاران قرار می‌دهد، درج شده است. ترجمه نیز مورد بررسی قرار گرفت، و ابدأ تردیدی وجود ندارد که متن عرضه شده در انگلیسی کاملاً صحیح است.

همانطور که اظهار می‌دارید، اصل تساوی حقوق رجال و نساء صریح و واضح است. آثار مبارک در این موضوع روشن و خالی از ابهام است. بیت‌العدل اعظم مکرراً تصریح فرموده‌اند که در مواقعی زن و شوهر باید به خواسته‌های یکدیگر احترام بگذارند. این که دقیقاً تحت چه شرایطی این احترام باید معمول گردد، موضوعی است که زوجین خود باید تصمیم بگیرند. اگر، معاذالله، نتوانند به توافق برسند، و اختلاف آنها به برودت و بیزاری منجر شود، باید جهت حفظ و تقویت پیوندهای خود به عنوان یک عائله متحد، با نفوس معتمد و کسانی که به صداقت و قضاوت صحیح‌شان اطمینان دارند، به مشورت پردازند.

^۳ سائل درباره اشاره به بیان مربوط به اطاعت زن از شوهرش و لزوم ملاحظه او در متن لوح مبارک حضرت عبدالبهاء که ذیلاً نقل می‌شود سؤال کرده است:

ای کنیزان ربّ قیوم سعی و جهد نمایند تا که شاید بتوانید به کسب فیوضاتی موّفق گردید که در میان کلّیه نسوان محترم و ممتاز شوید. لابدّ بر این است که هیچ فخر و جلّالی برای زنان اعظم از آن نیست که کنیزی در ساحت عظمت الهی باشد؛ و سجایایی که شایان این مقام است هوشیاری است و قلب بیدار؛ یقین تامّ به وحدانیت الهی، محبّت قلبی برای جمیع اماء موقته ربّانیه، طهارت و عفت و عصمت، اطاعت و ملاحظه همسر، توجّه به تعلیم و تربیت اطفال، صبر و تحمل، آرامش و متانت و تسلّط بر نفس؛ جدّیت در حمد و ثنای الهی و عبادت او در ایّام و لیالی؛ ثبات و استقامت در میثاق مقدّس ربّانی؛ نهایت شور و اشتیاق و تمسّک به امر محبوب آفاق... (ترجمه)

بیت‌العدل اعظم امیدوارند که توضیح فوق به رفع حیرت و سرگشتگی شما در رابطه با حقوق زن و شوهر در خانواده مساعدت نماید. اما، ممکن است مایل باشید برای کسب بینش بیشتر به مجموعه‌ای که اخیراً درباره نسوان انتشار یافته مراجعه نمایید. (ترجمه / مکتوب دوم اکتبر ۱۹۸۶ از طرف بیت‌العدل اعظم به یکی از احباء)

۳۳- همانطور که مطلعید اصل وحدت عالم انسانی در آثار بهائی به عنوان محوری که سایر تعالیم حضرت بهاء‌الله طائف حول آن است توصیف شده و مقتضیات آن چنان وسیع و گسترده است که بر جمیع اعمال و افعال انسانی تأثیر گذاشته موجب تغییر و تحوّل آنها می‌گردد. اصل وحدت عالم انسانی خواستار تغییری اساسی در نحوه ارتباط مردم با یکدیگر و نیز ریشه‌کن کردن عادات قدیمه‌ای است که منافی لزوم رعایت احترام و ملاحظه دیگران، که از حقوق حقّه بشری آنان است، می‌باشد.

در محیط خانواده، حقوق هر یک از اعضاء باید محترم شمرده شود. حضرت عبدالبهاء در یکی از خطابات خود که متن آن به زبان انگلیسی ثبت شده و ترجمه‌ای از آن به فارسی به شرح ذیل است، چنین می‌فرماید:

پیوند و الفت خانواده را باید همیشه مواظبت نمود و حقوق اعضاء را نباید زیر پا گذاشت. حقوق پسر، پدر، مادر، هیچکدام نباید نقض شود؛ هیچیک نباید مستبدانه رفتار کنند. همانگونه که پسر وظایف خاصی نسبت به پدر دارد، پدر نیز متقابلاً نسبت به پسر تکالیف خاصی دارد. مادر، خواهر و سایر اعضاء خانواده، هر یک از حق انحصاری خود برخوردارند. تمامی این حقوق و امتیازات باید محفوظ ماند.

اعمال زور از طرف فرد قوی بر علیه فرد ضعیف، به منظور تحمیل اراده و رسیدن به امیال شخصی، تخلفی فاحش از تعالیم بهائی است. هیچکس حق ندارد، به هر دلیلی و تحت هیچ شرایطی، با توسّل به زور یا تهدید به اعمال خشونت، شخص دیگری را به عملی که به آن راضی نیست وادار نماید. حضرت عبدالبهاء می‌فرماید، "ای یاران الهی جبر و عنف و زجر و قهر در این دوره الهی مذموم... " کسانی که به سائقه نفس و هوی و یا به علّت عدم توانایی در مهار کردن خشم و غضب خود، به اعمال خشونت نسبت به دیگران و سوسه می‌شوند، باید متذکّر باشند که این رفتار نکوهیده در ظهور منیع حضرت بهاء‌الله محکوم شده است.

از جمله نشانه‌های سقوط اخلاقی در نظام اجتماعی رو به زوال کنونی، ازدیاد خشونت در خانواده، افزایش رفتار تحقیرآمیز و ظالمانه با همسر و فرزند و شیوع آزارهای جنسی است. نکته اساسی این است که جامعه پیروان اسم اعظم باید بی‌نهایت مواظب باشند که مبادا به علّت شیوع چنین اعمالی به قبول آنها تن در دهند. احبّای الهی باید همواره متوجّه و متذکّر به وظیفه خود باشند، که عبارت از ارائه راهی جدید برای حیاتی است که با احترام به منزلت و حقوق کلیه نفوس، با اصول عالیّه اخلاقیه، و با احتراز از ستم و هر نوع تعدی متمایز باشد.

حضرت بهاء الله امر مشورت را به عنوان وسیله‌ای برای حصول توافق و راهی برای تعیین نحوه عمل مشترک مقرر فرموده‌اند و استفاده از آن بین دو شریک زندگی زناشویی در خانواده و در حقیقت در جمیع مواردی که احباء در اتخاذ تصمیمات مشترک شرکت می‌کنند لازم است. مشورت مستلزم آن است که تمام شرکت‌کنندگان عقائد خود را با آزادی کامل و بدون واهمه از این که نظراتشان مورد انتقاد یا تحقیر قرار گیرد بیان نمایند و البته این شرط اولیّه برای موفقیت در مشورت، در محیطی که در آن ترس از خشونت و اهانت وجود داشته باشد، قابل حصول نیست.

بعضی از سؤالات شما مربوط به رفتار با زنان است و شایسته است که با توجه به حکم تساوی حقوق رجال و نساء که از اصول دیانت بهائی است بررسی گردد. تساوی حقوق زن و مرد امری است به مراتب والاتر از اظهار آرمان‌های قابل ستایش، و اصلی است که تأثیرات عمیقی بر جوانب مختلفه روابط انسانی دارد و باید جزء لاینفکی از حیات خانواده و جامعه بهائی باشد. اجرای این تعلیم مبارک مستلزم تغییر و تحوّل در عادات و رسوم متداوله در طیّ قرون متمادی است. نمونه‌ای از این تحوّلات را در جوابی که از طرف حضرت شوقی افندی به این سؤال عنایت شده که آیا تعلیم بهائی سنت متداوله را که مرد به زن پیشنهاد ازدواج می‌کند تغییر خواهد داد به طوری که زن اجازه پیشنهاد ازدواج به مرد را داشته باشد، می‌توان یافت: "بنویس مساوات تامّ است؛ امتیاز و ترجیح جائز نه". تنها با گذشت زمان، که در آن زنان و مردان بهائی در اجرای کامل‌تر اصل تساوی حقوق رجال و نساء بکوشند، درک و فهم عمیق‌تری از اثرات و نتایج وسیع و همه‌جانبه این تعلیم حیاتی حاصل خواهد شد. حضرت عبدالبهاء در یکی از خطابات خود که متن آن به زبان انگلیسی ثبت شده و ترجمه‌ای از آن چنین است، می‌فرماید: "تا زمانی که مساوات بین مرد و زن کاملاً تمکّن و تحقّق نیافته، ممکن نیست عالم انسانی به حدّ کمال ترقّی نماید".

بیت‌العدل اعظم در سالهای اخیر مؤکداً توصیه فرموده‌اند که بانوان و دوشیزگان بهائی تشویق شوند تا در فعالیت‌های اجتماعی، روحانی و اداری جوامع خود بیش از پیش شرکت جویند و از آنان خواسته‌اند که قیام نموده اهمیت نقش خود را در کلیّه میادین خدمت به امرالله نمایان سازند.

تمسک به زور از طرف مرد به منظور تحمیل اراده‌اش بر زن، تخطّی فاحش از تعلیم دیانت بهائی است. حضرت عبدالبهاء در بیاناتی که متن آن به زبان انگلیسی ثبت شده و ترجمه‌ای از آن چنین است، می‌فرماید: در قدیم دنیا با زور اداره می‌شد و مرد چون جسماً و فکراً از زن زورمندتر و ستیزه‌جوتر بود بر او غالب و مسلط بود. ولی حال وضع عوض شده و اعمال زور و عنف تسلط خود را از دست داده است و اکنون

هوشیاری و فهم و فراست فطری و خصائل روحانی محبت و خدمت که در زن قوی است تفوق و غلبه یافته است.^۴

مردان بهائی این موقعیت را دارند که به دنیای اطراف خود چهره جدیدی از روابط زن و مرد را نشان دهند که در آن تمسک به زور و تعرض از بین رفته و همکاری و مشورت جایگزین آن شده است. بیت العدل اعظم در جواب به سؤالات واصله فرموده‌اند که در روابط زناشویی مرد و زن هیچ یک نباید غیرعادلانه بر دیگری تسلط داشته باشد؛ در بعضی موارد اگر از طریق مشورت موافقت حاصل نشود، باید در برای خواسته‌های یکدیگر تسلیم شوند؛ هر زن و شوهری معین کنند که دقیقاً تحت چه شرایطی متوسل به تسلیم خواهند شد.

حضرت بهاء الله بنفسه الأعلی در یکی از الواح مبارکه راجع به رفتار با نسوان چنین می‌فرماید:

... باید دوستان حق به طراز عدل وانصاف و مهر و محبت مزین باشند؛ چنانچه بر خود ظلم و تعدی روا نمی‌دارند، بر اماء الهی هم روا ندارند. إِنَّهُ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَيَأْمُرُ بِمَا يَنْتَفِعُ بِهِ عِبَادَهُ وَأَمَّا هُوَ؛ إِنَّهُ وَلِشَّ الْكُلِّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ...

هیچ شوهر بهائی هرگز نباید همسرش را کتک بزند یا با وی به نحوی ظالمانه رفتار نماید. مبادرت به چنین عملی اهانتی غیرقابل قبول نسبت به روابط زناشویی و مخالف تعالیم جمال مبارک است.

فقدان ارزش‌های معنوی و روحانی در اجتماع، منجر به تدنی خُلق و اطواری می‌گردد که باید بر روابط بین دو جنس مخالف حکم فرما باشد، در نتیجه زنان بیش از وسیله‌ای برای ارضاء امیال جنسی به حساب نمی‌آیند و از احترام و ادبی که از جمله حقوق کلیه افراد بشر است، محروم می‌شوند. حضرت بهاء الله چنین انداز می‌فرماید، "انَّ الَّذِينَ يِرْتَكِبُونَ الْبَغْيَ وَالْفَحْشَاءَ أَوْلَئِكَ ضَلَّ سَعِيهِمْ وَكَانُوا مِنَ الْخَاسِرِينَ." شایسته یاران حضرت رحمن آن است که درباره معیارهای والای اخلاقی که نیل به آن را حضرت بهاء الله در یکی از بیانات خود راجع به "اهل بهاء" تشویق می‌فرماید، تعمق نمایند: "ولو يردن عليهم ذوات الجمال بأحسن الطراز لا ترتد اليهن أبصارهم بالهوى؛ أولئك خلُقوا من التقوى كذلك يعلمكم قلم القدم من لدن ربكم العزيز الوهاب..."

یکی از شنیع‌ترین و قبیح‌ترین تخلّفات جنسی، جرم تجاوز جنسی است. چنانچه یکی از احباء مورد تجاوز جنسی قرار گیرد، مستحق محبت و حمایت اعضاء جامعه بوده و مختار است که علیه متجاوز بر طبق قانون مملکت خویش اقدام نماید. اگر در اثر این تجاوز حمله شود، مؤسّسات بهائی نباید به او فشار آورند که ازدواج کند. اخذ تصمیم درباره حفظ و یا سقط جنین راجع به شخص اوست تا با توجه به ملاحظات طبّی و عوامل مربوطه دیگر و به تعالیم مبارکه، آنچه را که مایل باشد مجری دارد. اگر در نتیجه این تجاوز طفلی متولّد شود، طلب

^۴ نقل ترجمه بیان حضرت عبدالبهاء از ص ۱۶۸ بهاء الله و عصر جدید

کمک مالی از پدر جهت نگاهداری فرزند، تصمیمی است که اتخاذ آن به عهدهء مادر خواهد بود، ولی ادّعی هر نوع حقّ پدری از طرف متجاوز باید با توجّه به مآوق و بر اساس قانون بهائی مورد سؤال و بررسی قرار گیرد. حضرت ولی امرالله در توقیعات مبارکه‌ای که از طرف آن حضرت به زبان انگلیسی صادر شده و ترجمه‌ای از آن بدین شرح است، توضیح می‌فرمایند که: "دیانت بهائی برای تمتّع غریزه جنسی ارزش قائل است و آن را تصدیق می‌کند... و همچنین می‌فرمایند، "... استفاده صحیح از غریزه جنسی حقّ طبیعی هر فرد است و دقیقاً به همین منظور است که حکم ازدواج مقررّ شده است". در این جنبه از روابط زناشویی نیز، مانند دیگر جوانب آن، باید رعایت احترام متقابل حکمفرما باشد. اگر یک زن بهائی مورد آزار و تجاوز جنسی شوهرش قرار گیرد، حقّ آن را دارد که برای کمک و راهنمایی به محفل روحانی مراجعه کند و یا برای کسب حمایت قانونی اقدام نماید. چنین آزارهایی ادامهء زندگی زناشویی را شدیداً به مخاطره انداخته و به راستی می‌تواند سبب بروز تنفّر و انزجار غیر قابل علاج شود. (ترجمه / مکتوب ۲۴ ژانویه ۱۹۹۳ از طرف بیت‌العدل اعظم به یکی از احباء)

۳۴- در پاسخ به یکی از احباء که طالب درکی عمیق‌تر در خصوص بیان مربوط به تلقّی پدر به عنوان رئیس خانواده شده، مکتوبی^۵ از طرف بیت‌العدل اعظم مرقوم گشته که در آن آمده است:

همانطور که در مکتوب خود اشاره کرده‌اید، بیت‌العدل اعظم، با استنباط از تعدادی از مسئولیت‌هایی که به عهدهء پدر خانواده است، فرموده‌اند که پدر را می‌توان "رئیس" خانواده محسوب داشت. اما، این عنوان به همان معنا که عموماً استفاده می‌شود نیست. بلکه، با توجّه به اصل تساوی حقوق رجال و نساء، و پیام‌های بیت‌العدل اعظم که هیچیک از طرفین ابدأ نباید سعی در سلطه یافتن بر دیگری نماید، معنایی جدید باید برای این عنوان یافت. بیت‌العدل اعظم قبلاً، در جواب یکی از احباء، فرموده‌اند که عنوان "رئیس" "به شوهر تفوّق و برتری نمی‌بخشد، و حقوق خاصی را که موجب تضعیف حقوق سایر اعضا عائله شود، نصیب او نمی‌نماید". همچنین فرموده‌اند که اگر بعد از مشورت محبّت‌آمیز نتوان به توافقی دست یافت، "در مواردی ... زن باید نسبت به خواسته‌های همسرش تمکین نماید و در مواردی شوهر باید به خواسته‌های همسرش احترام بگذارد، اما هیچیک ابدأ نباید به نحوی ناعادلانه بر دیگری سلطه جوید"؛ این در تباین بارز با کاربرد مرسوم اصطلاح "رئیس" است که معمولاً حق بلا قید و شرط تصمیم‌گیری در زمان عدم توافق بین زن و شوهر از آن مستفاد می‌گردد. (ترجمه / مکتوب ۱۵ ژوئیه ۱۹۹۳ از طرف بیت‌العدل اعظم به یکی از احباء)

^۵ به تاریخ ۱۱ ژانویه ۱۹۸۸

۳۵- حفظ اتحاد بین زوجین از اهمیت زیادی برخوردار است، و اگر خدمت امرالله آن را تضعیف نماید، راه حلی برای اصلاح وضعیت باید یافت.

به عبارت دیگر، هر طریقی را که اتخاذ می‌کنید باید درعین حال هم در خدمت مصالح امرالله باشد و هم تقویت پیمان زناشویی را تسهیل نماید. از گزیدهء مکتوبی که از طرف حضرت ولیّ امرالله مرقوم شده و ذیلاً نقل می‌گردد، این مطلب مستفاد می‌شود که به احبّاء ابدأً توصیه نمی‌شود که خدمت به امر مبارک را دلیلی برای غفلت از خانواده خود قرار دهند:

یقیناً حضرت ولیّ امرالله مایلند شما و سایر احبّاء کلّ وقت و نیروی خود را وقف امر الهی نمایند، زیرا ما به خادمین لایق و قابل بسیار نیاز داریم، اما عائله مؤسسه‌ای است که حضرت بهاءالله قصد تقویت آن را دارند نه تضعیف آن. صرفاً به علّت همین مطلب است که در عائله‌های بهائی، امور تأسّف‌انگیز بسیاری رخ داده است. به امر مبارک خدمت کنید اما وظائفی را که نسبت به عائله دارید از یاد نبرید. به عهدهء شما است که حدّ تعادل را پیدا کنید و مراقب باشید که از هیچیک غفلت ننمایید. (ترجمه)

(ترجمه / مکتوب ۱۸ آوریل ۱۹۹۴ از طرف بیت‌العدل اعظم به یکی از احبّاء)

۳۶- توجّه به این نکته مفید است که ارتباط عنصری در بسیاری از موارد مستلزم تعدیل عمیق هر یک از طرفین در رفتار و سلوک خویشان است. از آنجا که صمیمیت در روابط سبب می‌شود که مطلوب‌ترین و نامطلوب‌ترین خصیصه‌های طرفین مشهود گردد، هر دو، به اصطلاح، به اقدامی متعادل‌کننده مبادرت می‌نمایند. بعضی از زوجها قادرند در ابتدای زندگی به میزان بالایی از اتفاق نائل گردند و در سراسر دوران زندگی مشترک آن را حفظ نمایند. بسیاری از سایرین متوجّه می‌شوند که باید مدّتی تلاش مستمر داشته باشند تا به چنین هماهنگی و اتفاقی دست یابند. اگرچه این مطلب کاملاً صحیح است که حقوق شخصی هر یک از طرفین نسبت به ازدواج را طرف دیگر باید محترم شمارد، اما باید در نظر داشت که ارتباط هر یک با دیگری صرفاً مبتنی بر صغری کبرای قانون‌مآبانه نیست. اصل اساسی و شالوده عبارت از محبّت است. وقتی قضیه چنین باشد، نشان دادن عکس‌العمل به خطای شریک زندگی صرفاً با اقامهء دعوی در دادگاه ابدأً مناسب نیست. (ترجمه / مکتوب ۲ ژانویه ۱۹۹۶ از طرف بیت‌العدل اعظم به یکی از احبّاء)

۳۷- موضوعی که مطرح کرده‌اید برای زوج‌های بهائی که در تلاشند به فرصت‌ها و نیازهای گوناگونی پردازند که در جامعهء امروز با آن مواجهند، از اهمیت حیاتی برخوردار است. حلّ این موضوعات، مانند بسیاری از سایر وجوه حیات یومیّه، باید از طریق درک و کاربرد تعالیم امر مبارک صورت گیرد. احبّاء باید این نکته را به

^۶ سائل از تصمیماتی استفسار نموده که طرفین ازدواج، وقتی که هر دو در جستجوی فرصت‌های شغلی هستند که آنها را به راه‌هایی متباین سوق می‌دهد، باید اتخاذ نمایند.

وضوح دریابند و آرام و آسوده بمانند که کاملاً امکان دارد در نظر کسانی که موهوب به فیض اقبال به نفس مقدس موعود نیستند و در قیود الگوهای فکری گرفتارند که، علیرغم پذیرش گسترده الگوهای از این قبیل توسط عامه نوع بشر، با تعالیم بهائی بیگانه است، راه‌حل‌های حاصله کافی به نظر نرسد.

در ملاحظه این موضوع مقصود اصلی حیات جمیع مؤمنین باوفای حضرت بهاءالله باید عرفان و عبادت الهی باشد. این امر مستلزم خدمت به ابناء نوع بشر و اقدام در جهت ترقی و تقدّم امر الهی است. در پیگیری این هدف، آنها باید، با بررسی راه‌هایی که در پیش پای آنها گذاشته شده، حتی‌المقدور در جهت توسعه استعدادها و قوای مکنونه خود تلاش کنند.

به علت محدودیت‌های این عرصه عالم ترابی، احباء قطعاً در بسیاری از موارد خود را از فرصت توسعه تمام و کمال استعدادات خویش محروم مشاهده خواهند کرد. این ممکن است در اثر فقدان منابع اقتصادی یا امکانات تحصیلی، یا لزوم ایفای سایر وظائف و اجرای دیگر تکالیف مانند مسئولیت‌هایی باشد که به اختیار خویش در رابطه با ازدواج و فرزندان انتخاب کرده‌اند. در بعضی موارد ممکن است چنین وضعیتی منبث از تصمیمی آگاهانه برای فداکاری در سبیل امرالله باشد، مانند موقعی که مهاجری خدمت در نقطه‌ای را اختیار می‌کند که فاقد تسهیلات لازم برای توسعه استعدادها و مهارت‌های خاص او است. اما چنین محرومیت‌ها و محدودیت‌هایی متضمن اشارت تلویحی نیست که بهائیان مرتبط با آن قادر به حصول اهداف بنیادی و آنچه که از مقدرات الهی است نباشند؛ آنها صرفاً عناصری از معضلات جهانی برای ارزیابی و تعادل بخشیدن به بسیاری از ضرورت‌های این زندگی است که وقت و سعی آنها را می‌طلبد.

برای سؤالاتی که شما در زمینه اتخاذ تصمیمات توسط طرفین ازدواج طالب فرصت‌های شغلی منتج به راه‌های متباین مطرح کرده‌اید هیچ پاسخی که عموماً قابل استفاده باشد موجود نیست، زیرا شرایط بسیار متفاوت و متغیر است. هر زوجی برای تعیین بهترین مسیر عملی باید به جریان مشورت بهائی متکی باشد. در مبادرت به این کار، آنها می‌توانند عوامل گوناگونی از جمله موارد زیر را مد نظر قرار دهند:

- مفهوم برابری که باید در مشورت بین قرین و قرینه برقرار باشد:

بیت‌العدل اعظم قبلاً، در جواب سؤالاتی، فرموده‌اند که مشورت محبت‌آمیز باید فکر اصلی در روابط ازدواج باشد. اگر نتوان به توافق دست یافت، بعضی اوقات قرین یا قرینه باید به خواسته‌های دیگری احترام بگذارد؛ این که دقیقاً تحت چه شرایطی چنین تسلیم و احترامی باید معمول گردد موضوعی است که هر زوجی باید خود تصمیم بگیرند؛

- در آثار بهائی بر حفظ علقه ازدواج و تقویت اتحاد بین طرفین ازدواج تأکید اکید شده است؛

• مفهوم عائله بهائی، که در آن مادر اولین مربی اطفال است، و شوهر مسئولیت اولیه برای حمایت مالی خانواده را به عهده دارد؛

همانطور که بیت‌العدل اعظم در جای دیگر بیان فرموده‌اند، این به هیچ وجه بدان معنی نیست که این وظائف به نحوی غیر قابل تغییر تثبیت شده و نمی‌توان برای متناسب ساختن با وضعیت‌های خاص خانوادگی آنها را تغییر داده تعدیل نمود.

• اوضاع و شرایط مشخص گوناگون که ممکن است ایجاد شود، از قبیل چشم‌اندازهای شغلی در طی دوران عدم اشتغال گسترده، فرصت‌های غیرمعمول یا توانایی‌هایی که یکی از طرفین ازدواج ممکن است داشته باشد، یا نیازهای مبرم امرالله که مستلزم عکس‌العمل ایثارگرانه باشد.

چنین مشورتی وقتی با دعا و مناجات همراه باشد، احترام متقابل طرفین به یکدیگر مرعی گردد، تمایل مشتاقانه آنها به تمهید راه حلی که اتحاد و اتفاق را برای خودشان و سایر اعضاء خانواده حفظ نماید، و تمایل آنها به مصالحه و اصلاحات در زمینه مساوات وجود داشته باشد، یقیناً قرین موفقیت خواهد بود.

در دهه‌ها و سده‌های آینده، با تکامل جامعه بشری تحت تأثیر متحول‌کننده ظهور حضرت بهاءالله، مطمئناً تغییراتی بنیادی تجربه خواهد شد که کاربرد اجتماعی تعالیم بهائی را تسهیل خواهد نمود، مشکلاتی را که زوج‌های طالب تحقق امیال مشتاقانه‌شان جهت خدمت به امرالله از طریق فعالیت‌های شغلی را آسان خواهد کرد. (ترجمه / مکتوب ۲۶ ژوئن ۱۹۹۶ از طرف بیت‌العدل اعظم به یکی از احباء)

۳۸- در فقره‌ای از یکی از الواح حضرت عبدالبهاء چنین بیان شده است: "قرین خود را عزیز بدار و هر قدر نسبت به تو تندی کند، تو همیشه نسبت به او رؤوف و مشفق باش..."^۷

در پاسخ به سؤالی درباره این بیان مبارک، دارالانشاء در مکتوب ۱۲ آوریل ۱۹۹۰ چنین توضیح داد: بدیهی است که هیچ شوهری نباید همسرش را در معرض هیچ نوعی از سوء رفتار، اعمال عاطفی، روانی یا جسمی قرار دهد. چنین اقدام قبیح و مذمومی با ارتباطی که باید همراه با مساوات و احترام متقابلی باشد که در آثار بهائی توصیه شده، در تناقض است - ارتباطی که اصل مشورت باید بر آن حاکم و نیز از هر شکلی از سوء سلوک، از جمله استفاده از زور، مجبور کردن به اطاعت از اراده دیگری، عاری باشد. وقتی زوجه بهائی خود را در چنین وضعیتی مشاهده نماید و احساس کند نمی‌تواند از طریق مشورت با همسرش

^۷ متن لوح حضرت عبدالبهاء چنین است: "قرین خود را عزیز بدار و هر قدر نسبت به تو تندی کند، تو همیشه نسبت به او رؤوف و مشفق باش. حتی اگر عنایت تو به تندی و تلخی

بیشتر او منجر شود، بر محبت و لطف خود بیفزای و نسبت به اعمال ظالمانه و سوء رفتار با مدارا و محبت بیشتر مقابله کن." (ترجمه / انوار هدایت، شماره ۷۵۷)

مشکل را حلّ نماید، کاملاً محقّ است برای مشورت و کسب هدایت به محفل روحانی محلّی مراجعه کند، و همچنین ممکن است کسب مساعدت از مشاورین حرفه‌ای قابل و لایق را فوق‌العاده مفید بیابد. اگر زوج نیز بهائی باشد، محفل روحانی محلّی می‌تواند توجّه او را به لزوم اجتناب از سوء رفتار جلب کند و در صورت لزوم می‌تواند به اقدامات قاطع‌تری مبادرت نموده او را به انطباق با توصیه‌های مندرج در تعالیم مبارکه ملزم سازد. (ترجمه / یادداشت مورخ ۲۰ مارس ۲۰۰۲ نوشته شده توسط بیت‌العدل اعظم)

۲- روابط و مسئولیت‌های والد و فرزند

منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله

۳۹- آباء باید در دین ابناء و اتقان آن جهد بلیغ نمایند. چه، هر فرزندی از دین الهی خارج شود، البتّه به رضای ابوبین و حقّ جلّ جلاله عمل ننماید. جمیع اعمال حسنه به نور ایمان ظاهر و مشهود و در فقدان این عطیه کبری از هیچ منکری اجتناب نکند و به هیچ معروفی اقبال ننماید. (مجموعه آثار مبارکه درباره تربیت بهائی، ص ۱۱)

۴۰- در لوحی از الواح نازل قوله تعالی، "یا محمد وجه قدّم به تو متوجّه و تو را ذکر می‌نماید و حزب‌الله را وصیت می‌فرماید به تربیت اولاد. اگر والد در این امر اعظم، که از قلم مالک قدّم در کتاب اقدس نازل شده، غفلت نماید حقّ پدری ساقط شود و لدی‌الله از مقصّرین محسوب. طوبی از برای نفسی که وصایای الهی را در قلب ثبت نماید و به او متمسک شود. آنّه یأمر العباد بما یؤیدهم و ینفعهم و یقرّبهم و هو الأمر القدیم. (رساله سؤال و جواب، شماره ۱۰۵ / منضمّات کتاب اقدس، ص ۷۴)

۴۱- ائمار سدره وجود امانت و دیانت و صدق و صفا و اعظم از کلّ بعد از توحید حضرت باری، جلّ و عزّ، مراعات حقوق والدین است. در جمیع کتب الهی این فقره مذکور و از قلم اعلی مسطور. "أَنْ أَنْظُرَ مَا أَنْزَلَهُ الرَّحْمَنُ فِي الْفِرْقَانِ قَوْلَهُ تَعَالَى، "و اعْبُدُوا اللَّهَ وَ لَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئاً وَ بِالْوَالِدِينَ إِحْسَاناً". ملاحظه نمایید احسان به والدین را با توحید متقرن فرموده. طوبی لكلّ عارف حکیم یشهد و یری و یقرء و یعرف و یعمل بما أنزله الله فی کتب القبل و فی هذا اللّوح البدیع. (رساله سؤال و جواب، شماره ۱۰۶)

۴۲- قلم اعلی کلّ را وصیت می‌فرماید به تعلیم و تربیت اطفال و این آیات در این مقام در کتاب اقدس در اوّل ورود سجن از سمّاء مشیت الهی نازل، "کتب علی کلّ أبّ تربیه ابنه و بنته بالعلم و الخطّ و دونهما عمّا حدّد فی اللّوح و الذی ترک ما أمر به فللأمناء أن یأخذوا منه ما یكون لازماً لتربیتهما إن کان غنیاً و الاّ یرجع الی بیت‌العدل". (اشراق هفتم از لوح اشراقات، مجموعه اشراقات، ص ۹-۷۸)

۴۳- آنچه از برای اطفال در مقام اوّل و رتبه اوّلیه واجب و لازم است، تعلیم کلمهء توحید و شرایع الهیه است؛ چه که، من دون آن خشیه الله حاصل نمی شود و در فقدان آن صدهزار اعمال مکروهه غیر معروفه و اقوال غیر طیبه ظاهر می گردد... آباء باید کمال سعی را در تدین اولاد مبذول دارند؛ چه، اگر اولاد به این طراز اوّل فائز نگردد، از اطاعت ابویین که در مقام اطاعه الله است، غافل گردد. دیگر چنین اولاد مبالات نداشته و ندارد؛ یفعل بأهوائه ما یشاء." (مجموعه آثار مبارکه درباره تربیت بهائی، ص ۱۲)

۴۴- قل یا قوم عزّوا ابویکم و وقروهما بذلک ینزل الخیر علیکم من سحاب رحمہ ربکم العلیّ العظیم. (مائده آسمانی، ج ۸، ص ۱۸۵)

۴۵- از جمله اموری که مخصوص است به این ظهور اعظم آن که، هر نفسی در این ظهور به اقبال فائز و به اسم قیوم از رحیق مختوم آشامید، یعنی از کدس محبت الهی، منتسبین او بر حسب ظاهر اگر مؤمن نباشند، بعد از صعود به عفو الهی فائز و از بحر رحمت مرزوق خواهند بود. این فضل محقق است از برای نفوسی که از ایشان ضرری به حق و اولیای او نرسیده. کذلک حکم الله رب العرش و الثری و مالک الاخره و الاولی. (مائده آسمانی، ج ۴، ص ۱۷۳)

منتخباتی از مکاتیب و بیانات حضرت عبدالبهاء

۴۶- او دو اولاد عزیز من اقتران شما چون به سمع من رسید، بی نهایت ممنون و مسرور شدم که الحمدلله آن دو طیر باوفا در یک آشیانه لانه نمودند و از خدا خواهم که یک عائله محترمه ای تشکیل نمایند. زیرا اهمّیت ازدواج به جهت تشکیل یک عائله پربرکت است تا در کمال مسرت مانند شمع ها عالم انسان را روشن نمایند. زیرا روشنایی این عالم به وجود انسان است. اگر در این جهان انسان نبود، مانند شجر بی ثمر بود. حال امیدوارم که آن دو نفس مانند یک شجر گردند و از رشحات ابر عنایت طراوت و لطافت حاصل نمایند و پرشکوفه و ثمر گردند تا الی الأبد این سلاله باقی و برقرار ماند. (منتخباتی از مکاتیب، ج ۱، ص ۱۱۷)

۴۷- اگر مربی نباشد جمیع نفوس وحوش مانند و اگر معلّم نباشد، اطفال کلّ مانند حشرات گردند. این است که در کتاب الهی، در این دور بدیع، تعلیم و تربیت امر اجباری است نه اختیاری؛ یعنی بر پدر و مادر فرض عین است که دختر و پسر را به نهایت همّت تعلیم و تربیت نمایند و از پستان عرفان شیر دهند و در آغوش علوم و معارف پرورش بخشند و اگر در این خصوص قصور کنند، در نزد ربّ غیور مأخوذ و مذموم و مدحورند. (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۲۴-۱۲۳)

- ۴۸- مسأله اخلاق را بسیار اهمیت دهید. جمیع آباء و امهات باید اطفال را متماداً نصیحت کنند و بر آنچه سبب عزت ابدیه است دلالت نمایند. (منتخباتی از مکاتیب، ج ۱، ص ۳۱-۱۳۰)
- ۴۹- در خصوص تربیت اطفال، امهات باید نهایت اهمیت بدهند و همت بگمارند. زیرا شاخه تا تر و تازه است، هر نوع تربیت نمایی، تربیت شود. پس امهات باید طفلان خردسال را مانند نهالها که باغبان می‌پرورد پرورش دهند؛ شب و روز بکوشند که در اطفال ایمان و ایقان و خشیت رحمان و محبت دلب آفاق و فضائل اخلاق و حسن صفات تأسس یابد. مادر اگر از طفل حرکت ممدوحی بیند ستایش کند و تحسین نماید و تطیب خاطر طفل کند و اگر ادنی حرکت بی‌فایده صدور یابد، طفل را نصیحت کند و عتاب نماید و هب و وسائل معقوله، حتی زجر لسانی جزئی اگر لازم باشد، مجری دارد. ولی ضرب و شتم ابداً جائز نیست؛ زیرا به کلی اخلاق طفل از ضرب و شتم مذمور گردد. (مکاتیب عبدالبهاء، ج ۷، ص ۱۵)
- ۵۰- اطفال را از سن شیرخواری از ثدی تربیت پرورش دهید و در مهد فضائل پیورید و در اغوض موهبت نشو و نما بخشید، از هر علم مفیدی بهره‌مند نمایید و از صنایع بدیع نصیب بخشید؛ پرهمت نمایید و متحمل مشقت کنید. اقدام در امور مهمه بیاموزید و تشویق بر تحصیل امور مفیده بنمایید. (منتخباتی از مکاتیب، ج ۱، ص ۱۲۶)
- ۵۱- اگر نسبت به والدین خود توجه و مهربانی مبذول نمایی تا به‌طور کلی احساس رضایت نمایند، من نیز از تو راضی هستم چه که باید به والدین بی‌نهایت احترام نمود و لازم است که آنها راضی باشند، مشروط بر آنکه تو را از توجه به آستان حیّ قدیر منع نکنند و از سلوک در سبیل ملکوت بازدارند. فی الحقیقه سزاوار آن که تو را در این جهت تشویق و دلالت نمایند. (ترجمه / بیان حضرت عبدالبهاء)
- ۵۲- همچنین پدر و مادر نهایت تعب و مشقت به جهت اولاد کشند و اکثر، چون به سن رشد رسند، پدر و مادر به جهان دیگر شتابند. نادراً واقع که پدر و مادر در مقابل مشقات و زحمات خویش در دنیا مکافات از اولاد بینند. پس باید اولاد در مقابل مشقت و زحمات پدر و مادر خیرات و میرات نمایند و طلب عفو و غفران کنند. مثلاً شما در مقابل محبت و مهربانی پدر باید به جهت او انفاق بر فقرا نمایید و در کمال تضرع و ابتهاج طلب عفو و غفران کنید و رحمت کبری خواهید. (مفوضات عبدالبهاء، ص ۱۷۵)
- ۵۳- و اما سؤال شما در مورد مشورت پدر با پسر، یا پسر با پدر، در خصوص تجارت و معاملات؛ مشورت از عناصر اساسی بنیان شریعت الله است. چنین مشورتی مسلماً مقبول، چه بین پدر و پسر باشد و چه با سایرین. بهتر از آن ممکن نه. انسان باید در جمیع امور مشورت نماید چه که او را به عمق هر مسأله‌ای هدایت کند و دریافتن راه حلّ صحیح مدد نماید. (ترجمه / بیان حضرت عبدالبهاء)

۵۴- ای عزیز عبدالبهاء پسر آن پدر باش و ثمر آن شجر؛ زاده عنصر جان و دل او باش، نه همین آب و گل. پسر حقیقی آن است که از عنصر روحانی انسان منشعب گردد. از خدا خواهیم که در جمیع اوقات موفق و مؤید باشی. (منتخباتی از مکاتیب، ج ۱، ص ۱۳۶)

۵۵- پدر باید همواره بکوشد پسر را تربیت کرده با تعالیم آسمانی آشنا نماید. باید او را دلالت نموده همیشه تشویق کند، سلوک و رفتار ممدوحه بیاموزد، او را از امکان تحصیل در مدرسه برخوردار کند تا علوم و فنونی را تعلیم گیرد که مفید و ضروری تلقی می گردد. خلاصه، باید فضائل و کمالات عالم انسانی را در جان و روان او القاء نماید. مهمتر از همه آنکه باید مستمراً فرزند را به ذکر الهی متذکر دارد به نحوی که نبضان عروق و شریانش به محبت الهی باشد. از طرف دیگر، پسر باید نهایت اطاعت و انقیاد را نسبت به پدر مجری دارد و چون عبدی خاضع و خاشع رفتار نماید. لیلأ و نهارأ در کمال جدیت سعی نماید سبب راحت و آسایش پدر مهربان شود و رضایت او را کسب کند. او باید از آسایش و تفریح خود صرف نظر کند و مستمراً بکوشد قلب پدر و مادرش را قرین بهجت و مسرت سازد و به این وسیله جذب رضای الهی کند و موهوب به تأییدات لاریبیه جنود غیبی گردد. (ترجمه)

۵۶- از جمله محافظه دین الله تربیت اطفال است که از اعظم اساس تعالیم الهیه است. پس باید امهات اطفال شیرخوار را در مهد اخلاق تربیت نمایند. زیرا اول مرتب امهاتند تا چون طفل بالغ گردد به جمیع خصائل حمیده و فضائل پسندیده متصف و متخلق شود و همچنین به موجب او امر الهیه هر طفل باید قرائت و کتابت و اکتساب فنون لازمه مفیده نماید و همچنین تعلیم صنعتی از صنایع. این امور را نهایت اهتمام باید؛ قصور و فتور در این خصوص جایز نه.

ملاحظه بفرمایید که چقدر زندان و سجون و محل عذاب و عقاب از برای نوع بشر حاضر و مهیا است تا به این وسائط زجریه نفوس را از ارتکاب جرائم عظیمه منع نمایند و حال آن که این زجر و عذاب سبب ازدیاد سوء اخلاق می گردد و مطلوب چنانچه باید و شاید حاصل نشود. پس باید نفوس را از صغر سن چنان تربیت نمود که اکتساب جرائم ننمایند، بلکه جمیع همشان به اکتساب فضائل باشد و نفس جرم و قصور را اعظم عقوبت شمرند و نفس خطا و عصیان را اعظم از حبس و زندان دانند. چه که می توان انسان را چنان تربیت نمود که جرم و قصور، اگر به کلی مفقود و معدوم نگردد ولی، نادرالوقوع شود.

باری مقصود این است که تربیت از اعظم اوامر حضرت احدیت است و تأثیرش تأثیر آفتاب در شجر و ثمر. اطفال را بسیار باید مواظبت و محافظت و تربیت نمود. این است حقیقت و شفقت پدر و مادر؛ والاً علف خودرو

گردند و شجره زقوم^۱ شوند؛ خیر و شر ندانند و فضائل را از رذائل تمیز نتوانند؛ مربّای غرور گردند و منفور ربّ غیور. لهذا جمیع اطفال نورسیدگان باغ محبّت الله را کمال مواظبت و تربیت لازم. (مجموعه آثار مبارکه درباره تربیت بهائی، ص ۳۶-۳۵)

منتخباتی از مکاتیب نوشته شده از طرف حضرت ولی امرالله

۵۷- وقتی والدین و اطفال در خصوص بعضی از مواضع جدّی و مهمّ زندگی مانند ازدواج با یکدیگر اختلاف دارند، مطمئناً وضعیت بسیار اسفناکی وجود خواهد داشت؛ اما بی احترامی به نظر یکدیگر یا بحث کردن درباره آن در جوّی مشحون از پرخاش و خشونت مسلماً بهترین طرق نیست بلکه باید سعی نمود مشکل را به طریقی دوستانه و مشفقانه حلّ کرد.

حضرت بهاءالله قاطعانه فرموده‌اند که حصول رضایت والدین قبل از هر گونه قول و قرار ازدواج ضروری است و تردیدی نیست که در این بیان مبارک حکمتی عظیم مکنون است. این بیان حق حدّ اقل جوانان را از ازدواج بدون ملاحظه کامل و همه‌جانبه موضوع منع خواهد کرد. این بیان مبارک منطبق با تعلیم امر مبارک است که حضرت ولی امرالله تلگرافی فرمودند که رضایت والدین شما باید حاصل شود. (ترجمه - مکتوب ۲۹ مه ۱۹۲۹ به دو تن از احبّاء)

۵۸- حضرت ولی امرالله از شنیدن این خبر که فرزندی به شما اعطاء شده مسرور و محبور شدند و اطمینان دارند که وجود او سبب خیر و سعادت بیشتر هر دو نفر شما خواهد شد و بر غنای حیات عائله بهائی شما خواهد افزود. هیکل مبارک دعا خواهند کرد که تحت مراقبت و هدایت محبّت آمیز شما این طفل عزیز روحاً و جسماً رشد و نمو نماید و از تعلیماتی برخوردار گردد که او را در آتیه ایام به اقبال کامل و صمیمانه و خدمت خالصانه به امر مبارک قادر سازد. این فی الحقیقه مقدّس ترین وظیفه شما در مقام والدین بهائی است، و موفّقیت و سعادت حیات عائله شما مطمئناً به میزان و نحوه تحقق این تکلیف عظیم منوط خواهد بود. (ترجمه - از مکتوب ۲۱ ژوئیه ۱۹۳۸ به یکی از احبّاء)

۵۹- و اما در خصوص پس انداز شما: حضرت ولی امرالله توصیه می‌فرمایند به اعتدال عمل نمایید، و اگرچه مسلماً با میل شما به تقدیم کریمانه تبرّعات موافقت، اما در عین حال توصیه می‌فرمایند وظائف و مسئولیت خویش نسبت به والدین خود را، که بنا به قول خودتان، به مساعدت مالی شما نیاز دارند، مدّ نظر داشته باشید. (ترجمه - از مکتوب ۱۰ نوامبر ۱۹۳۹ به یکی از احبّاء)

^۱ زقوم، قرآن کریم، سوره صف ۰۳۷، آیه ۶۰ / سوره دخان (۴۴)، آیه ۴۳

۶۰- تربیت و پرورش یک طفل بهائی، چنان که در آثار و الواح مقدسه مکرر تأیید گردیده، مسئولیت اساسی مادر است که یگانه وظیفه وی ایجاد شرائطی در محیط خانه می باشد که به نحو اتم و احسن به سعادت و ترقی طفل، هم در عالم مادی و هم در عالم روحانی، مؤدی گردد. تربیتی که طفل در قدم اول از جانب مادر کسب می نماید قوی ترین و محکم ترین اساس برای پیشرفت های آتی او خواهد بود. بنابراین مقصد اصلی و توجه کامل قرینه شما ... باید آن باشد که از هم اکنون مجاهدت نماید که به فرزند جدیدالولاده خویش چنان تربیت روحانی القاء کند که وی را قادر بر آن سازد که در آتیه ایام مسئولیت و تکالیف حیات بهائی را بتمامه بر عهده گرفته و نسبت به اجرای آن سعی بلیغ مبذول دارید. (نقل ترجمه مکتوب ۱۶ نوامبر ۱۹۳۹ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احباء از صفحه ۰۴-۱۰۳ مجموعه آثار مبارکه درباره تربیت بهائی)

۶۱- در باب مسأله تربیت اطفال؛^۹ با توجه به تأکیدی که از طرف حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء نسبت به وظیفه والدین راجع به تربیت اطفال در سنین اولیه عمر به عمل آمده، به نظر می رسد ارجح آن است که این تربیت در کانون عائله و به دست مادران صورت گیرد نه آن که اطفال به پرورشگاهها^{۱۰} سپرده شوند. "اما اگر اوضاع و شرایط مادر بهائی را ملزم به اتخاذ طریق اخیر نماید، هیچ اعتراضی نمی توان نمود. (مکتوب ۱۳ نوامبر ۱۹۴۰ به یکی از احباء)

۶۲- مسأله تعلیم و تربیت اطفال در مواردی که یکی از والدین غیربهائی باشد امری است که منحصرأ به خود والدین بستگی دارد تا در این خصوص تصمیم لازم اتخاذ و راهی را که برای حفظ وحدت عائله و رفاه و سعادت آتیه اطفال احسن و اولی می شمارند اختیار نمایند. به هر تقدیر، چون طفل به مرحله بلوغ واصل گردد، باید آزادی کامل به وی اعطاء شود تا دیانت خویش را بدون توجه به آمال و احساسات والدین اختیار نماید. (مکتوب ۱۴ دسامبر ۱۹۴۰ به یکی از محافل روحانی ملی / نقل ترجمه از صفحه ۱۰۶ مجموعه آثار مبارکه درباره تربیت بهائی)

^۹ متن مکتوب واصله به حضرت ولی امرالله چنین است: "سؤال دیگری در خصوص تعلیم و تربیت اطفال مطرح شده است. معدودی از ما که منتظر ولادت فرزند هستیم در نظر داریم کودکان بزرگسال تر (یعنی ۲/۵ تا ۳ ساله) را در مهد کودک ... بگذاریم که مدرسه بسیار خوبی است و در سراسر کشور به علت روش های تربیتی عالی کودک معروف است، زیرا احساس کردیم مدت چند ماه نمی توانیم والدین باکفایتی باشیم، و نیز به این علت که در مجاورت منازل ما هیچ همبازی هم سن و سال این کودکان وجود ندارد. بزرگترین ایراد وارده بر این تصمیم آن که طبق آثار مبارکه، مادر مهم ترین مربی کودک تا ۶ یا ۷ سالگی است. طبیعتاً مایلیم کاری را انجام دهیم که احسن و اولی است و مساعدت شما موجب امتنان خواهد بود."

^{۱۰} مترجم: در متن انگلیسی Nursery School آمده که به معنای مهد کودک یا کودکستان است.

^{۱۱} مترجم: ترجمه بیان مبارک از ابتدا تا "سپرده شوند" از صفحه ۱۰۵ مجموعه آثار مبارکه درباره تربیت بهائی نقل گردید.

۶۳- اگرچه پیوندهای خانوادگی عمیقند، اما همیشه باید به خاطر داشته باشیم که عُلقه‌های روحانی به مراتب عمیق‌ترند. این علائق جاودانی و بعد از مرگ نیز برقرارند؛ در حالی که پیوندهای جسمانی، اگر با عُلقه‌های روحانی تقویت نگردند، به این عالم محدود خواهند بود. باید آنچه در قوه دارید، از طریق دعا و سرمشق و مثال، به کار ببرید تا چشم اعضاء عائله خود را به روی حَقائیت دیانت بهایی باز کنید، اما از اعمال آنها زیاد محزون نشوید. به سوی برادران و خواهران بهایی خود که با شما در پرتو انوار ملکوت ساکنند توجه کنید.

فی الحقیقه احباً هنوز کاملاً یاد نگرفته‌اند که در حین لزوم از محبت یکدیگر برای کسب قدرت و آرامش خاطر استفاده نمایند. امر الهی موهوب به قوای عظیمه است، و احبّاء به این علت از آن بیش از این استفاده نمی‌کنند که کاملاً نیاموخته‌اند از این قوای عظیمه محبت و قدرت و اتفاق منبعث از امر الهی استفاده نمایند. (ترجمه - مکتوب ۸ مه ۱۹۴۲ به یکی از احبّاء / انوار هدایت، شماره ۷۲۹)

۶۴- در ارتباط با بیان حضرت ولی امرالله که مهاجرت مشروط به رضایت والدین است و لازم است آنها موافقت خود را اعلام کنند، سؤال کرده‌اید که آیا این قرار در مورد کسانی که به سن قانونی رسیده‌اند و آنها که نرسیده‌اند به طور یکسان باید اجرا شود. هیکل اطهر پاسخ فرمودند که این قرار فقط مربوط به کسانی است که به سن قانونی نرسیده‌اند. (ترجمه - مکتوب ۱۸ ژانویه ۱۹۴۳ از طرف حضرت ولی امرالله به محفل روحانی ملی ایران)

۶۵- جمال اقدس ابهی صریحاً می‌فرمایند که شرط لازم برای ازدواج بهائی تحصیل رضایت والدینی است که در قید حیات باشند. این شرط واجب‌الاجرا است، چه والدین بهائی باشند چه نباشند؛ چه بین آنان سالهای متمادی طلاق واقع شده باشد چه نشده باشد. حضرت بهاءالله این حکم محکم را نازل فرمودند تا بنیان جامعه انسانی استحکام پذیرد و روابط خانوادگی پیوندی بیشتر یابد و سبب شود که در قلوب فرزندان حس احترام و حق‌شناسی نسبت به والدینشان که آنان را جان بخشیده و روانشان را در سیر جاودانی به سوی خالق متعال رهسپار ساخته‌اند ایجاد گردد.^{۱۲} ما بهائیان باید متوجه باشیم که در جامعه امروز جریانی کاملاً مخالف در حال وقوع است: جوانان یوماً فیوماً احترام کمتری برای آما و امیال والدین خود قائل می‌شوند، امر طلاق به صورت حقی طبیعی تلقی می‌گردد، و با هر مستمسک سست و بهانه توجیه‌ناپذیر و دستاویز بی‌اهمیت به آن تشبث می‌شود. نفوسی که از یکدیگر جدا شده‌اند، بالاخص اگر یکی از آنها حضانت کامل اطفال را داشته باشد، صرفاً تمایلی بیش از حد

^{۱۲} مترجم: ترجمه بیان حضرت ولی امرالله از ابتدا تا "ایجاد گردد" از یادداشت شماره ۹۲ یادداشت‌ها و توضیحات کتاب اقدس نقل گردید.

دارند که اهمّیت وجود شریک ازدواج و مسئولیت او به عنوان والد و ورود فرزند به این جهان را تقلیل دهند. بهائیان باید، با تمسّک تام به احکام و تعالیم بهائی، با این قوای فرساینده که به سرعت در حال تخریب حیات منزل و جمال روابط عائله و فروپاشیدن بنای اخلاقی جامعه هستند، مبارزه نمایند. (ترجمه - مکتوب ۲۵ اکتبر ۱۹۴۷ به یکی از محافل روحانی ملّی)

۶۶- اطفال تا سنّ پانزده سالگی تحت هدایت والدین خود هستند. در پانزده سالگی می‌توانند اظهار ایمان به امر مبارک نموده به‌عنوان جوان بهایی تسجیل شوند، اعمّ از آنکه والدین آنها بهایی باشند یا نباشند. اطفال کمتر از پانزده ساله، که والدین آنها بهایی هستند، و خود آنها مایلند در جلسات حضور یابند و به‌عنوان بهایی با احبّاء در ارتباط باشند نیز می‌توانند تسجیل شوند. اگر والدین غیربهایی اجازه دهند طفل کمتر از پانزده ساله آنها در جلسات بهایی شرکت کند و درحقیقت بهایی شود، این نیز جایز است. (ترجمه - خطاب به محفل ملّی آلمان - ۲۳ ژوئیه ۱۹۵۴ / انوار هدایت، شماره ۵۱۴)

۶۷- اگر وضعیت صحّی والدین شما به نحوی باشد که حضور شما واقعاً ضرور دارد، در این صورت نباید آنها را ترک کنید. اما اگر منسوبین دیگری هستند که می‌توانند از آنها مراقبت نمایند، شما می‌توانید در امور جاری در ... مساعدت نموده در تثبیت امر مبارک بر اساس و بنیادی محکم و متین در آنجا کمک کنید. (ترجمه - مکتوب ۲۸ اکتبر ۱۹۵۵ به یکی از احبّاء)

منتخباتی از مکاتیب نوشته شده توسط بیت‌العدل اعظم یا از طرف معهد اعلی

۶۸ - مکتوب ۲۳ ژوئن ۱۹۷۷ به ساحت بیت‌العدل اعظم عزّ و وصول یافت. ابراز تمایل و فیر نموده‌اید که خود و همسرتان شاهد رشد و تکامل فرزندانان به‌عنوان حامیان غیور و فعّال امرالله باشید و سؤال کرده‌اید که، با توجّه به مسؤولیتهای والدین بهایی در میدان مهاجرت، آیا رنجها و آلام ظاهری که فرزندان در اثر تعهّدات والدین به خدمت امرالله متحمّل می‌گردند به‌نحوی جبران خواهد شد یا خیر. بیت‌العدل اعظم مقرر فرمودند نکات ذیل به‌استحضار آن خواهر عزیز برسد.

هنگام بررسی این مسأله در نظر داشتن واقعیت وحدت خانواده و نقش فرزندان در فعّالیتهای آن حائز اهمّیت است...

این موضوع نیز باید لحاظ شود که کودک، از بدو حیات، نفسی آگاه و اندیشمند است، عضوی از خانواده با وظایف خاص خود نسبت به عائله به حساب می‌آید و قادر است به طرق مختلف برای امر الهی فداکاری و ایثار نماید. پیشنهاد می‌شود این احساس به فرزندان القاء گردد که آنها نیز از امتیاز و فرصت مشارکت در تصمیمات مربوط به خدماتی که والدینشان می‌توانند به امرالله تقدیم کنند، برخوردار می‌گردند، و به این ترتیب خود آنها آگاهانه تصمیم می‌گیرند که از خدمات مزبور استقبال نمایند و از اجر و آثار مثبت آن برزندگی خویش برخوردار گردند. البته فرزندان را می‌توان متوجه این واقعیت نمود که والدین بسیار مشتاقند چنین خدماتی را با حمایت صمیمانه و قلبی فرزندانشان به عهده بگیرند. (ترجمه - مکتوب ۲۳ اوت ۱۹۷۷ از طرف بیت العدل اعظم به یکی از احباء)

۶۹ - مکتوب مورخ ۱۹ فوریه ۱۹۸۲ شما که در آن ابراز میل وافر نموده‌اید به مسئولیت خود در مقام مادر برای هدایت صحیح فرزندان عمل کرده آنها را حامیان راسخ و ثابت امر جمال مبارک تربیت نمایید، به عز و وصول در ساحت بیت العدل اعظم فائز گردید. مقرر فرمودند نکات ذیل مرقوم گردد...

بیت العدل اعظم در نگرانی شما در خصوص فرزندانی از خانواده‌های والدین بهائی مخلص و خدوم که از امر مبارک اعراض نموده‌اند، سهیم هستند. متأسفانه مواردی وجود داشته که والدین به زیان فرزندان و واحد خانوادگی خود، به خدمت امر پرداخته‌اند...

در آثار مبارکه در خصوص هدایت فرزندان توسط والدین هدایات بسیاری موجود است. شاید شما مجموعه آثار درباره تربیت بهائی را مطالعه کرده باشید.

این مجموعه حاوی بیانات زیادی در خصوص وحدت خانواده است. اگر کودکان در منازلی تربیت شوند که خانواده از مسرت و وحدت برخوردار باشد، افکار و اعما در جهت مواضع روحانی و ترقی امرالله سرّیان داشته باشد، دلایل بسیار بر این باور وجود دارد که اطفال به اکتساب صفات ربّانی نائل شده حامیان امرالله خواهند شد.

امیدواریم که مطلب فوق به شما مساعدت کرده اطمینان مجدد بدهد و شما را قادر سازد در کمال مسرت و اطمینان به وظائف مادری خود مبادرت نمایید. در مقام ابوت، مانند بسیاری از سایر زمینه‌های مجاهدت، ما می‌توانیم نهایت تلاش خود را به کار ببریم، آگاه باشیم که مسلماً تا موازین کمالیه‌ای که به سوی آن با جدّ و جهد در حرکتیم، فاصله داریم، اما اطمینان داشته باشیم که خداوند نفوسی را که در سبیل امرش فعالیت می‌کنند

تأیید می‌فرماید، دعای ما را اجابت می‌کند و نقائص ما را جبران می‌فرماید. (ترجمه - مکتوب ۲۹ مارس ۱۹۸۲ از طرف بیت‌العدل اعظم به یکی از احباء)

۷۰- بیت‌العدل اعظم مکتوب ۱۴ سپتامبر ۱۹۸۲ شما در مورد نقش محافل روحانی محلّی در هدایت والدین و اطفال نسبت به موازین رفتاری اطفال در جلسات امری مانند ضیافت نوزده روزه و ایام متبرّکه امری دریافت فرمودند.

... بیت‌العدل اعظم مقرر فرمودند اظهار شود اطفال باید تعلیم ببینند که اهمّیت روحانی جلسات مؤمنین به جمال مبارک را درک کنند و افتخار و موهبت توانایی شرکت در آنها را، صورت ظاهر هر چه باشد، قدر نهند. این نکته مشهود و معلوم است که بعضی از جلسات ایام متبرّکه طولانی است و برای اطفال بسیار خردسال مشکل است مدّتی چنین طولانی را ساکت بمانند. در چنین مواردی یکی از والدین یا دیگری ممکن است برای مراقبت از کودک بخشی از جلسه را از دست بدهد. محفل روحانی نیز شاید بتواند در موقع انعقاد جلسه، در اتاقی مجزاً جلسه‌ای خاصّ اطفال که متناسب با ظرفیت آنها باشد، به والدین کمک کند. به این ترتیب، حضور در کلّ جلسه بزرگسالان نشانه‌ای از بلوغ و وجه تمایزی گردد که در اثر رفتار مطلوب کسب می‌شود.

در هر حال، بیت‌العدل اعظم خاطر نشان می‌فرمایند که والدین مسؤول اطفالشان هستند و باید آنها را وادار کنند در موقع حضور در جلسات امری مراقب رفتارشان باشند. اگر اطفال به ایجاد آشفتگی ادامه دهند باید آنها را از جلسه بیرون ببرند. این امر صرفاً برای تضمین اداره صحیح و متین جلسات بهایی نیست بلکه جنبه‌ای از تعلیم ادب، ملاحظه دیگران، احترام و اطاعت از والدین به اطفال است. (ترجمه - مکتوب ۱۴ اکتبر ۱۹۸۲ از طرف بیت‌العدل اعظم به محفل روحانی ملّی کانادا / انوار هدایت، شماره ۵۰۶)

۷۱- در خصوص نکات مذکور در بیان حضرت عبدالبهاء که شما در نامه خود نقل نمودید، در آثار مبارکه هیچ توضیح تفصیلی مشاهده نشده است؛ بیان مبارک مزبور را باید با توجه به مفاد لوح مبارکی که این عبارات از آن استخراج شده درک کرد.^{۱۳} بیان مبارک بر مقتضیات تعلیم و تربیت جوانان و خردسالان از اوّلین سالهای زندگی

^{۱۳} بیان مبارک حضرت عبدالبهاء چنین است: "تعلیم و تهذیب بعد از بلوغ بسیار دشوار شود" (مکاتیب عبدالبهاء، ج ۱، ص ۴۰۵).

تأکید دارد تا آنها را به مواجهه با معضلات زندگی بزرگسالی و مشارکت در جهت حفظ هنجارهای جامعه‌ای متعادل و مترقی قادر سازد؛ و عواقب وخیمی را که به طور عادی در صورت عدم توجه کافی به چنین مقتضیاتی می‌توان انتظار داشت مؤکد می‌سازد. در جامعه‌ای که تماماً تحت احکام و حدودی که حضرت بهاء‌الله عنایت فرموده‌اند اداره می‌شود درک چارچوبی که در آن این مقتضیات منجر به حصول حداکثر نتایج می‌شود، به مراتب آسانتر است.

باید توجه داشت که بیان حضرت عبدالبهاء به تلاش‌هایی که دیگران مبذول می‌کنند اشاره دارد. به مساعی خود فرد جهت یادگیری و اصلاح اخلاق خویشتن دلالت ندارد. خوشبختانه، وعود مکرر در آثار مبارکه در خصوص عفو و غفران و رحمت الهی که نصیب نفوس خطاکار خواهد شد وجود دارد، و ما شواهدی از حیات نفوس شهیمه و شخصیت‌های برجسته‌تر امر مبارک و نیز نفوسی از مردمان عادی درباره قدرت ایمان فرد به خداوند در تغییر سلوک و رفتار در اختیار داریم. همانطور که واقفید، هدف اصلی برای ظهور مظاهر مقدسه متحوّل کردن خصائل نفوس و از این طریق ایجاد تحوّل در کلّ جامعه است. به این ترتیب، مظهر ظهور الهی احکام و حدودی را وضع می‌کند که وقوع چنین تحوّل وسیعی را میسر می‌سازد؛ پایان کمال مطلوب تدریجاً در اثر مجهودات فردی، آزمون و خطا، و مهم‌تر از همه، ایمان راسخ به خداوند حاصل می‌گردد. (ترجمه - مکتوب ۴ ژوئن ۱۹۸۴ از طرف بیت‌العدل اعظم به یکی از احباء)

۷۲- و اما در رابطه با سؤال شما که آیا مادران باید خارج از منزل کار کنند، ملاحظه موضوع از منظر مفهوم عائله بهائی مفید خواهد بود. این مفهوم مبتنی بر این اصل است که مرد دارای مسئولیت اساسی برای حمایت مالی از خانواده و زن مربی اصلی و اولیاء اطفال است. این مطلب به هیچ وجه دالّ بر آن نیست که این وظائف به نحوی تغییرناپذیر تثبیت شده و برای متناسب ساتن با وضعیت خاصّ خانواده قابل تغییر یا تنظیم نیست، و نیز به این معنی نیست که جایگاه زن منحصر به منزل است. بلکه، اگرچه مسئولیت اولیاء احاله شده، اما انتظار می‌رود که پدران نقشی بارز در تربیت فرزندان ایفا نمایند و زنان هم می‌توانند نان‌آور نیز باشند. همانطور که به نحو صحیح اشاره کرده‌اید، حضرت عبدالبهاء زنان را تشویق می‌فرمایند که "در جمیع امور عالم به‌طور کامل و برابر

شرکت نمایند. (ترجمه - خطابه ۲۰ مه ۱۹۱۲ مندرج در صفحه ۱۳۵ *Promulgation* / انوار هدایت، شماره ۷۷۲)

در رابطه با سؤالات صریح شما، اتخاذ تصمیم در خصوص میزان وقتی که مادر به کار خارج از منزل اختصاص می‌دهد به اوضاع و شرایطی منوط است که داخل منزل حاکم است که ممکن است از زمانی تا زمان دیگر متفاوت باشد. مشاوره خانوادگی به یافتن جواب کمک خواهد کرد. و اما در مورد این سؤال که آیا دوره‌های تعلیمات حرفه‌ای در آینده انعطاف‌پذیرتر خواهد بود، بیت‌العدل اعظم خاطر نشان می‌سازند که شرایط آینده چنین مواضعی را تعیین خواهد کرد. (ترجمه - از مکتوب ۹ اوت ۱۹۸۴ از طرف بیت‌العدل اعظم به یکی از احباء)

۷۳- متحرّی حقیقتی که به او اشاره دارید به نظر می‌رسد تعالیم بهائی درباره مسئولیت والدین در قبال تعلیم و تربیت فرزندان را درست درک نکرده باشد. پدر مسلماً نقشی مهمی را باید ایفا نماید. حضرت بهاءالله در کتاب اقدس می‌فرماید:

كُتِبَ عَلَيَّ كُلِّ أَبٍ تَرْبِيَةَ ابْنِهِ وَ بِنْتَهُ بِالْعِلْمِ وَ الْخَطِّ وَ دَوْنَهُمَا عَمَّا حُدِّدَ فِي اللَّوْحِ ... إِنَّ الَّذِي رَبَّ ابْنَهُ أَوْ ابْنًا مِنَ الْأَبْنَاءِ كَأَنَّهُ رَبِّي أَحَدَ أَبْنَائِي عَلَيْهِ بِهَائِي وَ عِنَايَتِي وَ رَحْمَتِي الَّتِي سَبَقَتْ الْعَالَمِينَ.

(بند ۴۸)

اهمیتی زیادی که به نقش مادر داده مأخوذ از این واقعیت است که او اولین مربی طفل است. طرز تلقی او، ادعیه او، حتی آنچه که می‌خورد و شرایط جسمانی او تأثیر زیادی بر کودکی می‌گذارد که در رحم دارد. وقتی کودک متولد می‌شود، مادر است خداوند شیر را که اولین غذای تعیین شده برای طفل است در اختیارش گذاشته و مقصود این است که حتی المقدور او باید با طفل نوزاد باشد تا در اولین روزها و ماه‌های زندگی اش به تربیت و تعلیم او پردازد. این بدان معنی نیست که پدر به کودکش محبت ندارد، برایش دعا نمی‌خواند و از او مراقبت نمی‌نماید، بلکه چون دارای مسئولیت اولیه تأمین خانواده است، زمانی که با فرزندش می‌گذارند معمولاً محدود است، در حالی که مادر معمولاً در طی این دوران عمیقاً سازنده تکوینی که رشد و توسعه کودک به مراتب سریع‌تر از هر دوران دیگری در زندگی او است، ارتباط نزدیک با کودک دارد. با بزرگتر و مستقل‌تر شدن کودک، ماهیت نسبی رابطه با مادر و پدرش تعدیل می‌شود و پدر می‌تواند نقشی به مراتب بزرگتر ایفا کند.

ممکن است تأکید این نکته برای متحرّی حقیقت شما مفید باشد که اصل بهائی برابری حقوق زنان و مردان به وضوح در تعالیم مبارکه ذکر شده است، و این واقعیت که تنوع وظائف در بعضی زمینه‌ها بین آنها وجود دارد اصل مزبور را نفی نمی‌کند. (ترجمه - مکتوب ۲۳ اوت ۱۹۸۴ از طرف بیت‌العدل اعظم به دو تن از احباء)

۷۴- بیت‌العدل اعظم به خوبی بر رنج‌هایی که بسیاری از نسوان در مقام مادران تنها تحمّل می‌کنند و کلّ مسئولیت پرورش و حمایت از کودکان را بر عهده دارند، واقفند. هدف امر بهائی عملی ساختن تحوّل بنیادی در کلّ اساس جامعه بشری است که متضمّن روحانی شدن نوع بشر، وصول به اتحاد در روابط و پذیرش اصولی حیاتی مانند اصل برابری زنان و مردان است؛ در نتیجه، ثبات و پایداری زندگی زناشویی تحکیم خواهد شد، و کاهشی شگرف در شرایط منجر به شکست ازدواج حاصل می‌گردد. برای وصول سریع به این هدف، جامعه بهائی باید به جذب قوای روحانی لازم برای حصول این موفقیت ادامه دهد؛ این امر مستلزم تمسّک تامّ به اصولی است که در تعالیم بهائی مندرج است و اطمینان از این که حکمت مکنون در این تعالیم تدریجاً برای عموم نوع بشر مکشوف و معلوم خواهد شد. (ترجمه - مکتوب ۱۱ ژانویه ۱۹۸۸ از طرف بیت‌العدل اعظم به یکی از احباء)

۷۵- مواضعی که مطرح کرده‌اید^{۱۴} بهتر است در پرتو تعالیم بهائی مربوط به روابط خانوادگی مورد مذاقّه قرار گیرد. بین والدین و فرزندان باید روح احترام و ملاحظه متقابل برقرار باشد که فرزندان برای کسب هدایت و نصایح به والدین رجوع نمایند و والدین اولاد خود را تعلیم داده تحت پرورش قرار دهند. ثمره این رابطه این است که فرزندان در حالی که قوای تمییز و قضاوت آنها تهذیب شده به سنین بزرگسالی قدم می‌گذارند به طوری که می‌توانند جریان حیات خویش را به نحوی هدایت نمایند که به نحو احسن به سعادت آنها منجر شود.

در چارچوب احترام متقابل، از والدین تقاضا می‌شود هنگامی که فرزندان‌شان به برقراری روابط مودّت‌آمیزی مشغولند که ممکن است نهایتاً به ازدواج منجر شود، حکمت و درایت از خود به منصّه ظهور رسانند. آنها باید دقیقاً شرایطی را که باید پند و اندرز داده شود، و شرایطی را که وارد شدن آنها به قضیه به منزله مداخله تلقی گردد، مورد بررسی قرار دهند.

^{۱۴} در رابطه با رضایت والدین

اولاد، به نوبه خود، باید در نظر داشته باشند که والدین آنها عمیقاً به سعادت آنها علاقمندند و دیدگاه‌های والدین مقتضی احترام و ملاحظه دقیق است.

همانطور که واقفید، انتخاب اولیه شریک زندگی توسط دو فردی صورت می‌گیرد که مستقیماً مرتبط به موضوع هستند، و رضایت کلیه والدین در قید حیات سپس طلب می‌شود و برای حصول ازدواج ضرورت دارد.

در این موضوع، مانند جمیع وجوه روابط بشری، مشورت در حلّ سوء تفاهمات و توضیح آنچه که بهترین سلوک با توجه به تعالیم بهائی محسوب، از ارزش والایی برخوردار است. (ترجمه - مکتوب ۲۵ ژوئیه ۱۹۸۸ از طرف بیت‌العدل اعظم به یکی از احباء)

۷۶- اگرچه نقش و سهم مادر در تربیت فرزندان مسلماً بسیار عظیم است، اما معتقدیم اهمیت مسئولیتی که در آثار مبارکه در این زمینه به عهده پدر گذاشته شده نتوان قلیل شمرد. این تمایل به میزان غیرقابل توجیهی وجود دارد که پدران تربیت فرزندان را تماماً به عهده مادران بگذارند، و ما مایل نیستیم چنین استنباطی به وجود آید که تعالیم بهائی چنین نگرشی را تأیید می‌کند. (ترجمه - یادداشت ۲۸ فوریه ۱۹۸۹ توسط بیت‌العدل اعظم)

۷۷- تردیدی نیست که تبلیغ امرالله افضل الأعمال است و احباء وقتی تبلیغ را با مهاجرت توأم نمایند به عنایات و برکات مضاعف موهوب گردند. توجه به نیازهای خانواده نیز از اهمیت روحانی بسیار برخوردار است، و نادیده گرفتن ترقی و توسعه خانواده صرفاً جهت ارائه خدمت خاصی به امرالله ابداً جایز نیست. تبلیغ امرالله و سعی در رفع نیازهای خانواده هر دو باید در ترازوی خدمت خداوند دارای مقامی رفیع تلقی گردد، اما شرایط خاص هر خانواده تعیین کننده میزان پرداختن به هر یک از این دو است. مسلماً از فرزندان مهاجرین خواسته می‌شود هنگامی که به میادین خارج از وطن سفر می‌کنند، در فداکاری‌های والدین سهیم شوند، دقیقاً همانطور که فرزندان حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء در ایثار و فداکاری آنها سهیم داشتند. اما این مطلب را نباید فراموش کرد که فرزندان نیز از برکات و اجر مهاجرت سهمی دارند. (ترجمه - مکتوب ۸ فوریه ۱۹۹۰ از طرف بیت‌العدل اعظم به یکی از احباء)

۷۸- چندین سؤال درباره رفتار با اطفال مطرح کرده‌اید. از آثار بهائی کاملاً واضح است که جزء مهمی از تعلیم و تربیت اطفال اعمال انضباط است. حضرت ولی امرالله، در مکتوبی که از طرف هیکل مبارک درباره تربیت اطفال نوشته شده، می‌فرماید:

انتظام و روش صحیح از هر نوع جسمانی، اخلاقی یا عقلانی، فی الحقیقه لازم و ضروری است و هیچ تربیتی را نمی‌توان کامل و مفید تلقی نمود مگر آنکه این اصل اساسی در آن مرعی گردد. طفل پس از تولد از سرحد کمال بسیار دور، یعنی نه تنها ضعیف و بیچاره است بلکه عملاً ناقص و حتی بالطبع متوجه شرور و مفسد می‌باشد. بنا بر این باید تربیت یابد؛ تمایلات طبیعی او هماهنگ بل تعدیل و کنترل گردد و در صورت لزوم متوقف و یا منتظم شود تا رشد و نمو جسمانی و ترقی و پیشرفت اخلاقی او تأمین پذیرد. والدین بهایی نمی‌توانند به سادگی یک حالت عدم مقاومت نسبت به اطفال خویش درپیش گیرند خصوصاً اطفالی که بالطبع ناملایم و شدیدند. حتی این امر به تنهایی کافی نیست که ابوبن در حق اطفالشان دعا کنند بلکه باید سعی و همت نمایند که به کمال ملایمت و شکیبایی شئون اخلاقی را در افکار جوانشان القاء نمایند و آنان را به اصول و تعالیم امریه مانوس سازند و این امر را با چنان مهارت و توجه عاشقانه انجام دهند تا بالمآل "فرزندان حقیقی الهی" گردند و سگان باوفا و هشیار ملکوت ابهی به بار آیند.^{۱۵}

اگرچه انضباط جسمانی اطفال بخش قابل قبولی از تربیت و تعلیم آنها است، اما چنین اقداماتی باید "به کمال ملایمت و شکیبایی" و "توجه عاشقانه" انجام شود و از خشونت و خشمی که در بعضی نقاط دنیا همراه با ضرب و شتم و سوء رفتار با اطفال اعمال می‌گردد باید بالمره اجتناب شود. رفتار با کودکان به شیوه‌ای آمیخته به نفرت به منزله نفی حقوق انسانی آنها و خیانت به اعتمادی است که ضعفا در جامعه بهائی به اقویا دارند.

تجسم انحرافی در رفتار بشری قبیح‌تر و شنیع‌تر از سوء استفاده جنسی از اطفال، که رذیلانه‌ترین نوع آن زنا با محارم است، امکان ندارد. در زمانی که در سرنوشت عالم انسانی، به بیان حضرت ولی امرالله "انحرافات در طبیعت انسان و انحطاط در رفتار انسان و فساد و انحلال در مؤسسات متعلق به انسان به بدترین و نفرت‌بارترین وجهی ظاهر و آشکار می‌گردد" و زمانی که "ندای وجدان خاموش شود" زمانی که "شرم و حیا از میان

^{۱۵} مکتوب ۹ ژوئیه ۱۹۳۹ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از اجباء / نقل ترجمه از صفحات ۱۰۳ - ۱۰۱ آثار مبارکه در باره تعلیم و تربیت بهایی

برخیزد^{۱۶}، تشکیلات بهائی باید محکم و قاطع و در تعهد خود نسبت به صیانت از اطفالی که تحت مراقبت آنها قرار گرفته‌اند هوشیار و مراقب باشند و ابدأ اجازه ندهند تهدیدات یا توسل به مصلحت آنها را از اجرای وظائفی که به عهده دارند منحرف سازد. والدی که آگاه است شریک زندگی اش طفلی را مورد چنین سوء استفاده جنسی قرار داده نباید ساکت بماند، بلکه، با مساعدت محفل روحانی یا در صورت لزوم مقامات مدنی، باید به جمیع اقدامات ضروری متوسل گردد تا چنین رفتار بی‌نهایت غیراخلاقی را بلافاصله متوقف سازد، و به شفا و درمان مبادرت نماید.

حضرت بهاءالله بر وظائف والدین نسبت به فرزندان فوق‌العاده تأکید می‌فرمایند و به اطفال نیز توصیه می‌فرمایند که نسبت به والدین خویش، که برای وصول به رضای الهی باید در جهت کسب رضای آنها تلاش نمایند، در قلوب خود امتنان عظیم داشته باشند. امّا، خاطر نشان فرموده‌اند که تحت شرایط معینی، والدین باید در اثر اعمال خویش از حقّ ابوت محروم گردند. بیت‌العدل اعظم حق دارند در این مورد به وضع احکام مبادرت نمایند. بیت‌العدل اعظم فعلاً تصمیم گرفته‌اند جمیع قضایای مربوط به رفتار یا خصلت والدی به نظر می‌رسد او را فاقد صلاحیت لازم جهت برخورداری از حقوق ابوت، مانند رضایت دادن برای ازدواج، جلوه می‌دهد، به معهد اعلیٰ ارجاع گردد. مسائلی از این قبیل ممکن است پیش بیاید: وقتی که والدی مرتکب زنا یا محارم شده، یا وقتی که کودکی نتیجه تجاوز جنسی بوده، و نیز وقتی که والدی آگاهانه از حفظ و صیانت فرزندش از سوء رفتار فاحش جنسی امتناع می‌کند. (مکتوب ۲۴ ژانویه ۱۹۹۳ از طرف بیت‌العدل اعظم به یکی از احباء)

۷۹- اگرچه اطفال بهائی به طور غیرارادی امر مبارک را از والدین خود به ارث نمی‌برند، امّا والدین نسبت به تربیت فرزندان و سعادت روحانی آنها مسئولند. لذا، والدین بهائی باید سعی کنند از اولین روزهای زندگی فرزندان، آگاهی نسبت به وجود خداوند و محبت به او را در فرزندان القاء نمایند، و باید تلاش کنند فرزندان را به اطاعت صمیمانه از وصایا، احکام و حدود حضرت بهاءالله هدایت کنند. از جمله این احکام و وصایا عرفان و محبت کلیه مظاهر ظهور الهی، معاشرت به پیروان جمیع ادیان، دوستی و شفقت نسبت به جمیع نوع بشر، و اهمّیت تحرّی بالاستقلال حقیقت است. بنابراین، طبیعی است که اطفال بهائی از ابتدا بهائی محسوب شوند مگر آن دلیلی

^{۱۶} نظم جهانی بهائی، ترجمه هوشمند فتح اعظم، ص ۲۸-۱۲۷ / ترجمه متفاوتی در پیام وعده صلح جهانی، بند ۱۴ نقل شده است.

وجود داشته باشد که نتیجه گیری معکوس صورت گیرد. با چنین اساس معرفت و ادراکی هر کودک بهتر مجهز می شود تا به تنهایی بیندیشد و قضاوت کند که چه مسیری را باید موقع رسیدن به سن بلوغ در پیش گیرد یا در بزرگسالی در کدام طریق باید قدم بردارد. (ترجمه - مکتوب ۲۶ ژانویه ۱۹۹۴ از طرف بیت العدل اعظم به یکی از احباء)

۸۰- در آثار مبارکه فقرات بسیاری وجود دارد که بر اهمیت وحدت عائله، و مسئولیت عظیمی که فرزندان نسبت به والدین و والدین نسبت به فرزندان دارند، تأکید می کند. در این رابطه، از بهائیان مسلماً خواسته می شود مطیع والدین خود باشند...

اما، یکی از مهم ترین اصول امر الهی عبارت از اصل اعتدال در جمیع امور است. حتی فضائل، اگر به حد افراط برسد و با فضیلت های دیگر که مکمل هم هستند متعادل نگردد، ممکن است به مضرات بی حد و حصر منجر شود. فی المثل، از طفل نباید انتظار داشت از فرامین والدینش اطاعت کرده مرتکب گناه شود. مضافاً، در بزرگ جلوه دادن یکی از احکام جدا از سایر موارد، اعم از اصولی بنیادی که زیربنای آن است یا احکام دیگر، خطرناک است. همانطور که حضرت عبدالبهاء توضیح فرموده اند وحدت عائله از اهمیت اساسی برخوردار است، اما باید در مقابل حقوق هر یک از اعضاء خانواده متعادل گردد:

به موجب تعالیم حضرت بهاء الله خانواده که یک واحد انسانی محسوب است، باید طبق اصل تقدیس و احترام تعلیم و تربیت یابد و جمیع فضائل و کمالات به وی القاء گردد. تمامیت و جامعیت روابط عائله بایستی پیوسته مورد توجه دقیق قرار گیرد و حقوق و شؤون اعضاء، کل محترم و محفوظ باقی ماند. حقوق فرزند، حقوق پدر و مادر، هیچ یک از آنها نباید پایمال شود و معرض تخطی و تجاوز واقع گردد و در عین حال هیچ یک نباید جنبه انفرادی و مطلق اختیار نماید. همان طور که فرزند نسبت به پدر خویش دارای پاره ای تعهدات است، پدر نیز به همان قرار صاحب وظایفی است که باید در حق فرزند مجری دارد. مادر، خواهر و دیگر اعضاء عائله نیز هر یک دارای حدود و مقامات مخصوصه اند؛ جمیع این حدود و مشخصات بایستی مورد احترام واقع گردد و در عین حال وحدت و یگانگی خانواده محفوظ و لن یتغیر باقی ماند. ناراحتی هر یک باید ناراحتی عموم تصور شود و راحت و آسایش هر عضو راحت و آسایش اعضاء دیگر، و بالاخره اعتلاء و افتخار هر فرد اعتلاء و

افتخار سایر افراد تلقی گردد. (نقل ترجمه خطابه حضرت عبدالبهاء از صفحه ۱۲۲ مجموعه آثار مبارکه در باره تربیت بهایی)

یکی دیگر از اصول اساسی که باید در درک فرد بهائی از لزوم اطاعت از والدین و مبادرت به آن نافذ باشد عبارت از توصیه به مشورت در جمیع امور است. طبق بیان حضرت عبدالبهاء، مشورت، در واقع "مشورت از عناصر اساسی بنیان شریعت الله است."^{۱۷} اگر فرزند و والد، در اثر مشورت، بتوانند درک خود از نقطه نظر یکدیگر را عمق بیشتر بخشند و به وحدت فکر و هدف نائل شوند، در این صورت از مجادله در خصوص اطاعت می توان احتراز نمود.

در رابطه با بحث شما از ارتباط بین اطاعت از والدین از یک طرف و بیان ما فی الضمیر، آزادی، و رشد روحانی از طرف دیگر، بیت العدل اعظم برداشت جایگزینی را برای ملاحظه شما پیشنهاد می فرمایند. اگرچه آحاد نفوس مسئول اعمال خود و رشد روحانی خویشند، اما افراد در عزلت زندگی نمی کنند، بلکه بخشی از خانواده ها و جوامع هستند. اتخاذ تصمیم برای صرف نظر کردن از امیال خویشتن جهت احترام به والدین - یا تشکیلات امریه، مقامات مدنی،) یا حکم مربوط به آن موضوع - مبین تجلی اختیار فرد است نه محدودیت اراده شخص. با انتخاب راه اطاعت، طفل می تواند در وحدت عائله مؤثر باشد و به این وسیله سبب تقویت امر الهی گردد. (ترجمه - مکتوب ۲۴ سپتامبر ۱۹۹۷ از طرف بیت العدل اعظم به یکی از احباء)

۸۱- کودکان ما نیامدند که پرورش روحانی یابند و در حیات امر بهائی جذب شوند. کودکان را نباید رها نمود تا در دنیایی که پر از مخاطرات اخلاقی است سرگردان گردند. اطفال در وضع حاضر جامعه بشری با سرنوشتی بی رحمانه مواجه هستند: میلیونها طفل در بسیاری از کشورها از نظر اجتماعی بی سر و سامان و سرگردانند. کودکان چه از خانواده های غنی و چه فقیر احساس می کنند که والدین آنها و سایر بزرگسالان نسبت به آنها بیگانه اند. ریشه این بیگانگی در خودپرستی ناشی از ماده پرستی (Materialism) است که هسته مرکزی آن بی اعتقادی به خداوند است و قلوب مردم را در همه جا تسخیر کرده است. بی خانمانی و دربدری اجتماعی اطفال

^{۱۷} ترجمه - انوار هدایت، شماره ۷۶۵ به نقل از *Family Life*

در زمان ما به یقین نشانه‌های جامعه‌ای است که در حال فرو ریختن است. این وضعیت اختصاص به نژاد، طبقه، ملت و یا وضع اقتصادی خاصی ندارد؛ همه بدان گرفتارند. از ملاحظه این که در بسیاری از مناطق جهان کودکان را برای سربازی استخدام می‌کنند و آنان را به عنوان کارگر به کار می‌گمارند و عملاً به بردگی می‌فروشند، و ادار به فحشاء می‌کنند و موضوع تصاویر وقیح و شهوت‌انگیز (pornography) قرار می‌دهند، پدران و مادرانی که در پی هوی و هوس خویشند کودکان خود را رها می‌کنند و اطفال به صور گوناگون قربانی مطامع دیگران می‌شوند، قلوبمان به شدت متأسف و متأثر است. امثال این امور چنان زیاد است که نمی‌توان تمام موارد آن را ذکر نمود. بسیاری از این اوضاع هول‌انگیز را والدین خود بر اطفالشان تحمیل می‌کنند و از آن راه صدمات روحی و روانی که به این کودکان وارد می‌شود خارج از حد حساب است. جامعه جهانی ما هم نمی‌تواند از عواقب این شرایط و احوال مصون بماند. ملاحظه این احوال باید همه ما را برانگیزد تا به کوشش‌های فوری و پیگیر برای حفظ منافع کودکان و حفظ آینده پردازیم...

در دارایی یک جامعه، کودکان گرانبهاترین گنجینه‌اند؛ زیرا اطفال امید و ضامن آینده‌اند. کودکان حامل بذرهایی هستند که خصوصیات جامعه فردا را در بر دارد؛ خصوصیتی که بیشتر در اثر رفتار بزرگسالان، یا در اثر قصور و کوتاهی‌های آنان شکل می‌پذیرد. کودکان اماناتی هستند که هر جامعه‌ای که آنها را نادیده گیرد، نمی‌تواند از کیفر چنین غفلتی در امان بماند. محبت همه‌جانبه به اطفال، نحوه رفتاری که با آنان داریم، کیفیت توجهی که به آنها مبذول می‌کنیم، طرز سلوک و رفتار بزرگسالان نسبت به کودکان، همه عبارت از جنبه‌های حیاتی طرز توجه و تلقی مورد لزوم است. محبت لازم‌هاش انضباط است و شهامت این که کودکان را به سختی عادت دهیم، نه این که اطفال را به هوی و هوس خود واگذاریم تا کاملاً خودرو بار آیند. باید محیطی به وجود آورد که اطفال احساس کنند به جامعه تعلق دارند و در اهداف و مقاصد جامعه شریک و سهم‌گردد. باید با محبت و پافشاری اطفال را راهنمایی نمود تا مطابق اصول و موازین امری زندگی کنند و امر بهائی را فراگیرند و آن را به نحوی که با شرایط آنان سازگار باشد تبلیغ نمایند...

حال مایلیم چند کلمه‌ای به پدران و مادران که مسئولیت اولیه پرورش اطفال را بر عهده دارند خطاب نماییم. از آنها می‌خواهیم که به تربیت روحانی اطفالشان توجه مداوم مبذول دارند. برخی از والدین تصور می‌کنند که

این وظیفه منحصرأ بر عهده جامعه است. برخی دیگر عقیده دارند که برای حفظ استقلال اطفال در تحرّی حقیقت نباید امر بهائی را به آنها تعلیم داد. بعضی دیگر از والدین برای تعهد چنین وظیفه‌ای احساس عدم لیاقت می‌نمایند. هیچیک از اینها صحیح نیست. حضرت عبدالبهاء فرموده‌اند که "بر پدر و مادر فرض عین است که دختر و پسر را به نهایت همّت تعلیم و تربیت نمایند؛" و اضاف فرموده‌اند که گاگر در این خصوص قصور کنند در نزد ربّ غیور مأخوذ و مذموم و مدحورند." صرف نظر از میزان تحصیلات، پدر و مادر در موقعیت حسّاسی برای تربیت و شکل دادن به رشد روحانی اطفال خود قرار دارند و هرگز نباید توانایی خود را برای تربیت اخلاقی اطفالشان نارسا انگارند. زیرا محیطی که در اثر عشق به خداوند، کوشش برای اجرای احکام، روحیه خدمت به امر الهی، عدم تعصّب خشک (fanaticism) و آزادی از تأثیرات مخرب غیبت کردن، در خانواده به وجود می‌آورند، تأثیر قطعی در پرورش اطفال دارد. هر پدر و مادری که به جمال مبارک مؤمن و معتقد است، مسئولیت آن را دارد که به گونه‌ای سلوک و رفتار نماید که خود به خود اطاعت از والدین را ایجاب کند. زیرا تعلیم بهائی برای اطاعت از والدین ارزشی بسیار قائل است. البته علاوه بر کوشش‌هایی که در خانواده می‌شود، پدران و مادران باید از کلاس‌هایی که برای تربیت اطفال در جامعه تشکیل می‌شود پشتیبانی کنند. همچنین باید به خاطر داشت که اطفال در دنیایی زندگانی می‌کنند که از طریق تجربه مستقیم مخاطراتی که قبلاً متذکر شدیم و یا حقایق تلخی که از طریق رسانه‌های غیر قابل اجتناب گروهی پخش می‌شود، آنها را از واقعیاتی ناگوار مطلع می‌سازد. بنابراین بسیاری از اطفال اجباراً به بلوغ زودرس می‌رسند و در بین آنها اطفالی هستند که در جستجوی موازین و نظامی هستند که زندگی آنها را هدایت کند. اطفال بهائی باید در این وضع تیره و تاریک جامعه رو به اضمحلال، همچون علائمی از آینده بهتر بدرخشند. (از پیام رضوان ۲۰۰۰ بیت العدل اعظم به احبّای عالم)

۳- تقویت حیات عائله

منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله

۸۲- طوبی از برای بیتی که به رحمت من فائز گردد و و ذکر من در آن جاری شود و به شرافت حضور احبّایم که به حمد ثنایم ناطقند و به جبل فضلّم متمسّک و به تلاوت آیاتم متباهی‌اند، نائل گردد. فی الحقیقه آنان عبادی

متعالی هستند که خداوند در قیوم الأسماء و صحف اخرى تمجید فرموده است. انه هو السميع المجيب و هو العالم بكل الشئ (ترجمه)^{۱۸}

۸۳- رأسُ الهمّة هي إنفاق المرء على نفسه و على أهله و الفقراء من إخوته في دينه؛ رأسُ التّجارة هي حبي به يستغنى كلّ شيء عن كلّ شيء و بدونه يفتقر كلّ شيء عن كلّ شيء و هذا ما رُقمَ من إصبع عزّ منير. (ادعیه محبوب، طبع طهران، ص ۴۳ و ۴۲)

۸۴- شكّ نتوان نمود که هر آنچه از قلم ابهی نازل، اعم از احکام یا مناهی، نفع آن به خود مؤمنین راجع.^{۱۹} از جمله حقوق الله نازل و اگر ناس به ادای آن موقّق شوند، البتّه حقّ جلّ و عزّ برکت عنایت فرماید و هم آن مال نصیب خود آن شخص و ذریّهء شود چنانچه مشاهده می‌نمایی اکثری از اموال ناس نصیب ایشان نشده و نمی‌شود و اغیار را حقّ بر آن مسلّط می‌فرماید و یا وراثتی که اغیار بر ایشان ترجیحی دارد. حکمت بالغهء الهی فوق ذکر و بیان است. إنّ الناسَ يشهدون ثمّ ينكرون ويعرفون ثمّ يجهلون.

منتخباتی از آثار و بیانات حضرت عبدالبهاء

۸۵- از خدا خواهم خانهات را مرکز نشر نور هدایت الله، انتشار کلمهء الله و اشتعال نار محبّت در قلوب عباد و اماء مؤمنهء موقنه در جمیع احوال فرماید. به یقین مبین بدان که هر بیتی که ذکر و ثنائیش در تسبیح اسم الهی به عوالم ربّانی مرتفع گردد فی الحقیقه بیت آسمانی و حدائق سرور جنّت الهی است. (ترجمه)

۸۶- اگر محبّت و اتّفاق در خانوادهای ظاهر و مشهود گردد، آن خانواده ترقّی کند، نورانی شود و روحانی گردد؛ اما اگر عداوت و نفرت در آن وجود داشته باشد لابد بر این است که نابود شود و متلاشی گردد. (ترجمه - خطابه ۲۵ مه ۱۹۱۲)

^{۱۸} مترجم: بیان مشابهی از جمال مبارک وجود دارد: "طوبی لبیت ارتفع فیہ ذکری و لهوای توضع فیہ نفحات الوحی فی الغدوّ و الاصل" (آثار قلم اعلی، ج ۲، ص ۷۰)

^{۱۹} این جمله ترجمه و بقیه آن از صفحه ۱۰۲ گنجینه حدود و احکام و صفحه ۱۰ جزوهء حقوق الله نقل گردید.

۸۷- ملل را می توان قیاس بر افراد عائله کنیم. عائله متشکل از افراد است و هر ملتی نیز متشکل از افراد و اشخاص؛ و اگر جمیع ملل را جمع کنید یک عائله عظیمه گردد و این واضح است که نزاع و جدال بین افراد یک عائله سبب خرابی است. همین نوع جنگ و حرب مابین ملل مورث انهدام عظیم است. (خطابات مبارکه، جلد ۲، صفحه ۹۹)

۸۸- با جمیع دوستان و منسوبین، حتی بیگانگان، در نهایت محبت و مهربانی رفتار کنید. (ترجمه)^{۲۰}

۸۹- محزون مباش؛ طوفان احزان سپری گردد؛ غموم نیاید؛ نومیدی زائل گردد؛ نار محبت الله شعله زند و خار و خاشاک غموم و هموم را بسوزاند. مسرور باش و مطمئن به الطاف بهاء تا تردید و تزلزل زائل گردد و فیوضات غیبیه بر عرصه وجود نازل گردد...

اگر یاران و منسوبین از تو فاصله گیرند و دوری جویند، محزون مباش چون خدا به تو نزدیک است. تا توانی با اقربا و بیگانگان محشور شو؛ نهایت محبت و مهربانی نما؛ صبر و شکیبایی پیشه کن. هرچه مخالفت کنند، عدالت و انصاف بیشتر نشان ده؛ هرچه نفرت و بیزاری کنند، با صداقت، رفاقت و الفت مقابله نما. (ترجمه - *Tablets of Abdu'l-Baha*، ج ۳، صفحات ۵۵۷ و ۵۵۸)

۹۰- ای برادران مهربان سالک سییل الهی حمد کنید خدا را که اخوت جسمانی را با اخوت روحانی توأم نمودید، باطن را عین ظاهر ساختید، و ظاهر را جلوه گاه باطن نمودید. حلاوت این اخوت سبب اهتزاز روح گردد و ملاحظت این نسبت موجب انبساط قلب شود. چون طیور شکور به شکر و سپاس به ساحت حق پردازید که در حدائق الهی لانه ساختید و در روضه رحمان در ملکوت ابهی بر شاخه های شجر طوبی آشیانه نمودید. چه که طیور صحرای هدایتید و عندلیبان بوستان موهبت. چه فضلی اعظم از این و چه موهبتی احلی از آن. پس به حمد و ثنای الهی پردازید که به این فیض و فضل عظیم فائز گشتید. (ترجمه)

^{۲۰} ترجمه انگلیسی بیان مبارک در صفحه ۱۹۶ جلد اول *Tablets of Abdu'l-Baha* آمده و با اندکی تغییری در صفحه ۳۹۲ جلد اول *Compilation of Compilations*

ذیل شماره ۸۴۵ نقل گردیده است - م

۹۱- بشارت ملکوت را به گوشها برسانید و کلمه‌الله را منتشر نمایید و نصایح و وصایای الهی مُجری دارید؛ یعنی به حرکت و آدابی قیام کنید که جسم عالم را جان بخشید و طفل صغیر امکان را به مقام رشد و بلوغ رسانید. تا توانید در هر محفلی شمع محبت برافروزید و هر دلی را به نهایت رأفت ممنون و مسرور نمایید. بیگانگان را مانند خویش بنوازید و اغیار را به مثابه یار وفادار مهربان گردید. اگر نفسی جنگ جوید شما آشتی طلبید و اگر کسی ضربتی بر جگر گاه زند شما مرهم بر زخم او بنهید؛ شماتت کند محبت نماید؛ ملامت کند ستایش فرماید؛ سم قاتل دهد، شهید فائق بخشید؛ به هلاکت اندازد، شفای ابدی دهید؛ درد گردد، درمان بشوید؛ خار شود گل و ریحان گردید؛ شاید به سبب این رفتار و گفتار این جهان ظلمانی نورانی گردد و این عالم خاکی آسمانی شود و این زندان شیطانی ایوان رحمانی گردد؛ جنگ و جدال برافتد و محبت و وفا در قطب عالم خیمه افرازد. (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۳۲)

۹۲- هر انسان ناقصی خودپرست و در فکر راحت و منفعت خویش است. چون یک قدری فکرش اتساع یابد در فکر راحت و نعمت خاندانش افتد؛ اگر فکرش اتساع بیشتر یابد، در فکر سعادت اهل شهرش افتد؛ و چون افکار متسع بیشتر شود، در فکر عزت وطن و ملتش افتد و چون افکار اتساع تام یابد و به منتهی درجه کمال رسد، در فکر علویّت نوع انسان افتد؛ خیر جمیع خلق طلبد و راحت و سعادت جمیع ممالک را. این دلیل بر کمال است. (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۶۶)

۹۳- پروردگارا در این دور اعظم شفاعت فرزندان برای والدین را پذیرفتی و این از اعظم فیوضات این دور مبارک است. لهذا، ای خدای مهربان، تقاضای این عبادت را در ساحت وحدانیت خود بپذیر و والدش را در بحر الطافت مستغرق فرما. چه که سلیل جلیلش به خدمتت قیام نموده و در جمیع احیان در سبیل محبتت به بذل مجهودات مشغول. انک انت الوهاب الغفار الرحیم. (ترجمه- بیان حضرت عبدالبهاء مندرج در صفحه ۶۳ *Baha'i Prayers*)

۹۴- ای اماء رحمن شکر کنید جمال قدم را که در این قرن اعظم و عصر منور محشور شدید. شکرانه‌ای این الطاف این که در عهد و میثاق قوت استقامت بنمایید و به موجب تعالیم الهی و شریعت مقدسه حرکت نموده اطفال را از سن طفولیت از ثدی تربیت کلیه شیر دهید و پرورش نمایید تا آداب و سلوک به موجب تعالیم الهی از سن شیرخوارگی در طبیعت و طینت اطفال رسوم تام پیدا نماید؛ زیرا اول مربی و اول معلّم امهاتند که فی الحقیقه

مؤسس سعادت و بزرگواری و ادب و علم و دانش و فطانت و درایت و دیانت اطفالند. (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۲۳-۱۲۲)

۹۵- ای گل نوشکفته بستان محبّه‌الله شکر کن او را که از نسل احبّایش به وجود آمدی، از ثدی محبّتش نوشیدی و در آغوش معرفتش پرورش یافتی. امیدوارم رجای مادر و پدرت را تحقّق بخشی، در حدیقه آمال سرو بالنده شوی، بر شجر آرزوها ثمرهء جنیهء عالیه گردی؛ به خدمت امرالله پردازای و سبب جلال و مباهات امرش گردی. (ترجمه)

منتخباتی از مکاتیب نوشته شده از طرف حضرت ولی امرالله

۹۶- خانه حقیقتاً بهایی حصنی حقیقی است که امرالله در برنامه‌ریزی فعالیت‌های گسترده خود می‌توان به آن مطمئن و متکی باشد. اگر ... و ... به یکدیگر محبّت دارند و مایلند ازدواج کنند، حضرت ولی امرالله میل ندارند آنها تصوّر کنند با این اقدام، خود را از افتخار خدمت محروم می‌کنند؛ در حقیقت چنین اقتران و اتّحادی موجب تقویت توانایی آنها در خدمت خواهد شد. هیچ امری زیباتر از آن نیست که جوانان بهایی ازدواج نمایند و خانه‌های حقیقتاً بهایی، آن‌طور که حضرت بهاء‌الله برای آنها خواسته‌اند، تأسیس کنند. (ترجمه - مکتوب ۶ نوامبر ۱۹۳۲ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احبّاء / انوار هدایت، شماره ۷۳۶)

۹۷- هیکل مبارک از اطلاع بر مشکلات خانوادگی، معضلات و اضطرابات شما عمیقاً محزون شدند و توصیه می‌فرمایند شما مأیوس نشوید، صبور و به هدایت قطعی و امداد الهی مطمئن باشید. همه ما دارای موانع جزئیّه مادی در زندگی هستیم و نمی‌توانیم به کلی از آنها مصون باشیم. احسن و اولی آن که، بعد از آن که جمیع مساعی ما منجر به حلّ مشکل ما نشد، بر آنچه که به تنهایی می‌تواند سعادت حقیقی و آرامش قلبی را به ما ببخشد تمرکز نماییم. زیرا یقیناً این تنها منبع مسرتّ و تسلاّبی است که می‌توانید در لحظات رنج و درد در اختیار داشته باشید. آیا هیچ چیز به اندازه ابلاغ پیام الهی ارزش فعالیت را دارد؟ این است نصیحت حضرت ولی امرالله مر شما را. ایشان مایلند حتّی المقدور مشکلات مادی خود را فراموش کنید و تماماً بر مطالعه و انتشار تعالیم مبارکه

متمرکز گردید. شما علاقه، اشتیاق، خلوص و توانایی لازم را دارید و حیف است اگر از این صفات عالی و سجایای متعالیه کما ینبغی و یلیق استفاده ننمایید. (ترجمه - مکتوب ۴ اکتبر ۱۹۳۳)^{۲۱}

۹۸- حضرت ولی امرالله مایلند به شما به طور اخص توصیه نمایم که صبور و مطمئن بمانید، و مهمتر از همه، در مقابل تمام مخالفت و نفرتی که شوهرتان به شما ابراز می‌دارد نهایت درجه محبت و مهربانی نمایید. در چنین مواردی، رفتار مسالمت‌آمیز و دوستانه نه تنها وظیفه هر فرد بهایی است، بلکه مؤثرترین طریق جلب حسّ همدلی و تحسین اعداء و دشمنان پیشین به امر مبارک است. فی الحقیقه، محبت قوی‌ترین اکسیری است که دنی‌ترین و خبیث‌ترین افراد را می‌توان به نفوس ملکوتی تبدیل کند. امیدواریم مثال و سرمشق شما بیش از پیش حقایق این تعلیم زیبای امر الهی را مورد تأیید قرار دهد. (ترجمه - مکتوب ۶ دسامبر ۱۹۳۵ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احباء / انوار هدایت، شماره ۷۴۱)

۹۹- پیام حضرت ولی امرالله به شما این است که باید مستمراً سعی نمایید جمال، خلوص و قوه خلاقه پیام حضرت بهاءالله را در زندگی شخصی و نیز در روابط اجتماعی خود متجلی سازید. جوانان بهائی باید امروز سرمشق جوانان عالم باشند، و لهذا باید طبق عالی‌ترین معیارهای رفتاری زندگی کنند. هیچ امری جز تمسک تام و تمام به منویات عالی و تعالیم متعالیه امر مبارک توسط کلیه جوانان، اعم از رجال و نساء، نمی‌تواند بر توجه و ملاحظه جدی اهل عالم به آن تأثیر گذارد و آن را جذب نماید. (ترجمه - مکتوب ۱۷ مارس ۱۹۳۷ خطاب به گروهی از جوانان بهائی)

۱۰۰- وضعیتی که توصیف نمودید که بر خانواده شما حاکم است، بخصوص از آنجا که به شدت بر برادران و خواهران شما تدثیر می‌گذارد، مسلماً بسیار تأثرانگیز است؛ اما در حالی که بعضی عناصری در وضعیت مزبور وجود دارد که شما برای غلبه بر آن احساس ضعف می‌کنید، اما نباید هر امیدی بر بهبود وضعیت خود را، هر چند که تدریجی باشد، از دست بدهید. طرز تلقی کاملاً انفعالی فقط می‌تواند به نومییدی کامل شما منجر شود. لهذا،

^{۲۱} مترجم - از سطر دوم این مکتوب در *Directives from the Guardian*، شماره ۱۹۳ آمده است.

باید به خود شهامت دهید و تا آنجایی که وسائل و شرایط شما اجازه می‌دهد در کمال اطمینان و استقامت تلاش کنید اوضاع خانواده خود را بهبود بخشید. (ترجمه - مکتوب ۲۰ فوریه ۱۹۴۰ به یکی از احباء)

۱۰۱- هیکل مبارک از استماع این موضوع که خانم ... محزون و مغموم است متأسف شدند. ایشان اگر متوجه شوند که خانواده‌شان نظر موافق با تعالیم ندارند نباید محزون شوند - جمیع نفوس از لحاظ روحانی روشن ضمیر و منورالفکر نیستند. تردیدی نیست که بسیاری از اعضاء خانواده‌های خود انبیاء، حتی در مواجهه با رفتار نمونه و تشویق و ترغیب مظهر ظهور ایمان نیاوردند؛ لهذا، یاران نباید از این امور محزون و مأیوس شوند بلکه باید آینده عزیزانشان را در قبضه اختیار الهی قرار دهند، و با خدمات و خلوص خود استحقاق یابند که برای ولادت روحانی غایی آنها شفاعت کنند. (ترجمه - مکتوب ۹ مارس ۱۹۴۲ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احباء)

۱۰۲- ازدواج بین دو نفس، که الیوم به پیام الهی زنده‌اند، خود را وقف خدمت به امر الهی نموده و برای خیر عالم انسانی تلاش می‌کنند، می‌تواند نیروی بالقوه‌ای در زندگی دیگران و سرمشق و الهام‌بخش سایر بهائیان و نیز غیراحباء باشد. (ترجمه - مکتوب ۴ اوت ۱۹۴۳ به دو تن از احباء)

۱۰۳- حضرت ولی امرالله از برخورد خصمانه بعضی از اعضاء عائله شما نسبت به امر مبارکی که شما به خدمت آن قیام کرده‌اید، عمیقاً متأسفند، و معتقدند باید آنچه را در قوه دارید در اجتناب از خصومت و مخالفت با آنها به کار برید - البته نه به قیمت رها کردن امر الهی و سست شدن در خدمت به این آستان ربّانی.

از آنجا که شما نمی‌توانید آنها را وادار کنید به امر الهی علاقه‌مند شوند، بهترین کاری که می‌توانید انجام دهید همان است که حضرت مولی‌الوری در این قبیل موارد توصیه می‌فرمودند: آنها را به حال خود رها کنید و در حق آنها دعا نمایید. اطمینان داشته باشید حضرت ولی امرالله نیز برای تنویر فکر آنها دعا خواهند کرد. بسیاری از نفوس، بعد از مخالفت شدید با امر الهی، نهایتاً در اثر صبر و شکیبایی، محبت، تدبیر و دعای منسوبین یا دوستان بهایی آنها، مجذوب امر مبارک شده‌اند. (ترجمه - مکتوب ۱۴ اکتبر ۱۹۴۳ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احباء)

۱۰۴- هیکل مبارک معتقدند که شما باید بایّ نحو کان نهایت محبّت و همدلی را به شوهرتان ابراز نمایید. اگر ادنی تردیدی داریم که به عنوان بهایی چه روش و سلوکی باید داشته باشیم، باید به حضرت عبدالبهاء فکر کنیم و حیات آن حضرت را مورد مطالعه قرار دهیم و از خود پرسیم که ایشان چه می کردند، زیرا ایشان از هر نظر مثل اعلاّی ما هستند. شما می دانید هیکل مبارک چقدر مهربان بودند، و محبّت و رأفت آن حضرت چگونه مانند نور آفتاب بر کلّیه نفوس می تابید.

شوهر و فرزند شما از محبّت شما حقّ و سهمی دارند و به شما فرصتی بی نظیر می دهند که ایمان خود به امر الهی را به منصّه ظهور برسانید. همچنین باید به ساحت حضرت بهاءالله دعا کنید شما را مدد فرماید با شوهرتان در کمال اتّحاد باشید و خانه خود را قرین مسرّت و سعادت حقیقی سازید. (ترجمه - مکتوب ۹ مارس ۱۹۴۶ از طرف حضرت ولی امرالله)

۱۰۵- حضرت ولی امرالله در رابطه با مسائل خانوادگی شما معتقدند که، در صورتی که مایلید هدایت شوید، باید این موضوعات را با محفل خود مطرح کنید؛ یکی از وظائف محافل راهنمایی و مساعدت به یاران است و حقّ شما است که به محفل روحانی مراجعه نمایید. (ترجمه - مکتوب ۱۰ آوریل ۱۹۴۷ به یک زوج بهائی)

۱۰۶- مدّتی مدید است که حضرت ولی امرالله احساس می کنند ... احبّاء در بعضی موارد منطبق به اهداف عالیّه تعیین شده توسط حضرت بهاءالله برای زندگی زناشویی عمل نمی کنند. آنها مستعد تأثیر پذیرفتن از طرز تلقّی لاقید و خودخواهانه نفوس نسبت به پیوند زناشویی هستند. در نتیجه وقتی هیکل مبارک مشاهده می کنند که شما در کمال موفقیت منطبق با موازین بهائی زندگی می کنید، نهایت تلاش خود را به کار می برید که این ارتباط مقدّس با قرین خود را حفظ نمایید، فی الحقیقه بسیار مسرورند. ایشان امیدوارند شما در جایگاهی باشید که سرمشقی برای دیگران به حساب آید. ایشان با طریقی که بعضی از احبّاء، تحت لوای خدمت به امرالله، برای خلاص کردن خود از قرین خویش، یا رفتن و با فردی دیگر ازدواج کردن، اتّخاذ کرده اند ابداً موافق نیستند. (مکتوب ۲ آوریل ۱۹۵۰ به یکی از احبّاء)

۱۰۷- حضرت ولی امرالله دعا می فرمایند که مادر شما بهائی شود و فعّالانه به امر الهی خدمت نماید. باید این نکته مدّ نظر باشد که با اتّخاذ حیات بهائی منزّه و مهذبّ توسط شما، مادرتان شاید به مراتب بیش از خواندن و

مطالعه کردن تحت تأثیر قرار گیرد. وقتی تأثیر تعالیم بهائی بر زندگی شخص دیگر مشاهده شود، غالباً تأثیری بسیار عظیم دارد. (ترجمه - مکتوب ۱۲ ژوئیه ۱۹۵۲ به یکی از احباء)

۱۰۸- تحقق آمال شخصی ما در زندگی به ندرت همان چیزی است که سبب سعادت و مسرت ما می‌گردد. برعکس، معمولاً سبب ایجاد مجموعه آمال جدیدی می‌گردد. از طرف دیگر، وقتی خود را در وظائف خویش به عنوان افراد بشر نسبت به خانواده و معاشرین خویش می‌نماییم و نیز به عنوان بهائی به امور مربوط به امرالله می‌پردازیم و در نهایت حدّ توانائی خویش در شرایطی که در آن قرار گرفته‌ایم به خدمت امر مبارک مبادرت می‌کنیم، تدریجاً مفهوم سعادت و مسرت را درک می‌کنیم. (ترجمه - مکتوب ۲۳ مه ۱۹۵۶ به یکی از احباء)

۱۰۹- حضرت ولی امرالله برای شما، فرزندان و قرین شما دعا خواهند فرمود. حال که جمیع شما در امر الهی متحد هستید، و در کمال سرور و حبور با یکدیگر فعالیت دارید، مطمئناً موهوب به مواهب و برکات الهی خواهید شد و تأییدات روح القدس مؤید حرکت شما خواهد بود. مغناطیسی که جاذب روح قدسی است عبارت از خدمت به امر الهی و بخصوص تبلیغ امر جلیل حضرتش است. حضرت ولی امرالله دعا خواهند فرمود که هر یک از اعضائخانواده شما نجمی درّی در آسمان رضای الهی باشد. مطالعه کلام الهی، مذاقه دربارۀ مفهوم الهی آن، دعا، و سپس مبادرت به اقدام ضروری است. و پس از آن باید در عمل استقامت نمود. اگر این مراحل اجرا شود، شخص از لحاظ روحانی ارتقاء خواهد یافت و در خدمت به امر مبارک موفق و منصور خواهد گشت. (ترجمه - مکتوب ۵ ژوئن ۱۹۵۶)

۱۱۰- شما باید در منزل خود با عائله خویش چنان روح محبت الهی ایجاد کنید که همسر شما را واقعاً به امر مبارک وارد نماید و فرزندان شما را مجذوب آن سازد ... برقراری اتحاد و اتفاق در منزل از اهمّ موارد برای فرزندان شما است. (ترجمه - مکتوب ۱۵ اوت ۱۹۵۷ به یکی از احباء)

منتخباتی از مکاتیب نوشته شده توسط بیت العدل اعظم یا از طرف معهد اعلی

۱۱۱- از جمله چشمگیرترین اهدافی که محفل روحانی محلی در جریان توسعه‌اش تا وصول به بلوغ کامل باید به آن نائل گردد، این است که مانند شبانی مهربان نسبت به اغنام بهایی عمل کند، اتحاد و اتفاق را در میان احباء تحکیم بخشد، امر تبلیغ را هدایت نماید، امرالله را محافظت نماید، ضیافات نوزده‌روزه، ایام متبرکه مخصوصه و

جلسات مرتب جامعه را سامان بخشد، احباء را با برنامه‌ها و نقشه‌های آشنا سازد، جامعه را به عرضه پیشنهادها و توصیه‌هایش دعوت کند، سعادت و رفاه جوانان و اطفال را تأمین کند، در صورتی که مقتضیات اجازه دهد در فعالیتهای انسان‌دوستانه شرکت نماید. محفل در ارتباطش با آحاد احباء، باید مستمراً از آنها دعوت کند به مطالعه امر مبارک پردازند، پیام جلیل آن را انتشار دهند، منطبق با تعالیم مبارکه زندگی کنند، به طوع و طیب خاطر مرتباً به تقدیم تبرعات پردازند، در فعالیتهای جامعه شرکت کنند و در صورت نیاز برای کسب هدایت و مساعدت به محفل پناه ببرند، و در تمام این طریق مشوق آنها باشد. (مکتوب ۳۰ ژوئیه ۱۹۷۲ بیت العدل اعظم به محفل روحانی ملی بولیوی)

۱۱۲- همانطور که کاملاً واقفید حضرت بهاءالله فرموده‌اند، "فی الحقیقه امر حقوق الهی امر بزرگی است. بر جمیع ادای آن لازم. چه که اوست سبب نعمت و برکت و خیرات و ما یکون مع کل نفس فی کل عالم من عوالم ربها الغنی الکریم."^{۲۲} فرد مؤمن مخلص که از امتیاز ادای "حقوق‌الله" برخوردار است، نه تنها از یافتن مستمسک جهت طفره رفتن از تأدیه آن خودداری می‌کند، بلکه نهایت سعی خود را خواهد کرد که به موجب آن عمل کند. از طرف دیگر، از آنجا که اطاعت از این حکم الهی موضوعی وجدانی است، و ادای حقوق‌الله اقدامی اختیاری است، فراتر رفتن از حد آگاه کردن احباء از این وظیفه روحانی و واگذاری اتخاذ تصمیم در این خصوص را به خود آنها، مقتضی و مناسب به نظر نمی‌رسد.

همین اصل در مورد یارانی که در حد اسراف برای خانواده خود خرج می‌کنند، به خرید یا ساخت محل سکونت و مفروش کردن آن با وسائل و لوازم بیش از حد نیاز اقدام کرده این مخارج را به میل خود منطقی جلوه می‌دهند تا از ادای حقوق‌الله طفره برونند نیز صادق است. (مکتوب ۲۶ فوریه ۱۹۷۳ از طرف بیت‌العدل اعظم به یکی از احباء)

۱۱۳- تعلیم و تربیت اطفال به نحو صحیح کمال اهمیت را نسبت به ترقی و اعتلاء جامعه بشریت دارد و اساس اصلی و حقیقی هر تربیت همانا پرورش روحانی و اخلاقی است. هنگام تبلیغ نفوس و هدایت آنان به حقائق امریه

^{۲۲} نقل بیان جمال مبارک از صفحه ۱۱ جزوه حقوق‌الله

و چگونگی حیات بهائی قهراً با موانع و مشاکل بسیار از جمله عدم توجه به مبادی روحانی و تعلق شدید به شئون مادی همچون اوهام و خرافات و میزان بی‌شماری از افکار و تخیلات نالایقه دست به گریبانیم. در صورتی که در مورد اطفال جدیدالولاده با ارواح پاک که با آلودگی‌های عالم ملوث نشده است مواجه می‌باشیم، این اطفال چون پا به رشد و نمو گذارند معرض مشکلات و امتحانات بی‌شمار قرار خواهند گرفت. بنابراین وظیفه ما آن است که آنان را از لحظات اولیه زندگانی در شئون صوری و معنوی، هر دو، در طریقی که حق تعالی اراده فرموده است تربیت نماییم تا چون به رتبه بلوغ رسند، مبارزین امر الهی گردند و نمونه‌های شاخص و برجسته‌ای از ملکات و فضائل اخلاقی و روحانی در بین جامعه انسانی شوند و برای مقابله با هر نوع امتحان و آزمایش مجهز گردند. فی الحقیقه "نجوم آسمان علم و عرفان"^{۳۳} شوند و "میاه عذب جاریه که حیات حقیقی مردمان بتمامه بدان مربوط و معلق است" (ترجمه) بیارایند. (نقل ترجمه پیام ۳۱ اوت ۱۹۷۶ بیت‌العدل اعظم خطاب به کلیه محافل روحانی ملی از صفحات ۴-۵ مجموعه آثار مبارکه درباره تربیت بهائی)

۱۱۴- با توجه با این که شما و قرینتان درباره مسائل خانوادگی خویش با محفل روحانی مشورت کرده اما هدایتی را دریافت نکرده‌اید و نیز وضعیت خود را با مشاور خانواده در میان گذاشته و توفیق حاصل ننموده‌اید، بیت‌العدل اعظم معتقدند شما و قرین شما بسیار ضروری است که متوجه باشید ازدواج می‌توان منشأ رفاه و سعادت باشد، حسّ ایمنی و مسرت روحانی پدید آورد. اما، این امری نیست که به خودی خود رخ دهد. تبدیل زندگی زناشویی به مامن و مکانی رضایت‌بخش مستلزم تعاون و تعاضد خود شرکای زندگی و مساعدت خانواده‌های آنها است. (ترجمه - مکتوب ۲۴ ژوئن ۱۹۷۹ از طرف بیت‌العدل اعظم به یکی از احباء)

۱۱۵- مفهوم بهائی درباره نقش زنان در جامعه بی‌مثیل است. برخلاف تمایلی فعلی به کم‌ارزش جلوه دادن مقام مادری، امر مبارک تأیید می‌کند که این وظیفه از مسئولیت عظیم برخوردار و برای توسعه سالم نسل جدید، و بالتبع برای ایجاد و حفظ مدنیتی دائماً در حال توسعه فوق‌العاده مهم است. احاله مسئولیت اولیه برای تربیت فرزندان به مادر مستقیماً منبث از این واقعیت است که او به دنیا آورنده نوزاد است. نگرش، ادعیه و حتی آنچه که میل می‌کند و شرایط جسمانی او تأثیر عظیم بر کودکی دارد که هنوز در بطن امّ است...

^{۳۳} مترجم: اصل بیان جمال مبارک چنین است: "انجم سماء عرفان" و عبارت دوم "میاه جاریه که حیات کلّ معلق به آن است" (لثالی حکمت، ج ۳، ص ۳۱۲)

اما تعالیم بهائی زنان را ملزم نمی‌کند که محصور در منزل بمانند و فقط به وظائف خانه بپردازند. اشاراتی درباره نقشی که در دور بهائی برای نسوان در نظر گرفته شده در بیانات حضرت عبدالبهاء مشاهده می‌شود که می‌فرمایند، "زنان باید ترقی کنند و وظیفه‌شان را بتمامه در مدارج حیات اجرا دارند؛ مثل مردان شوند؛"^{۲۴} و این که:

در دور حضرت بهاء‌الله، نسوان شانه به شانه مردان ترقی می‌کنند. در هیچ زمینه یا موردی نیست که آنها عقب بمانند؛ آنها دارای حقوق مساوی با مردان هستند و در آینده می‌توانند در کلیه شعوب اداره اجتماع وارد شوند. در هر زمینه مجاهدتی آنها می‌توانند آنقدر ارتقاء یابند که به اعلی مدارج عالم انسانی واصل گردند. آنها به مدارجی نائل گردند که، در هر زمینه‌ای از مجاهدات، به اعلی معارج عالم انسانی واصل شوند. اطمینان داشته باشید. به وضعیت فعلی ناظر نباشید. در آتیه ایام، عالم نساء در کمال لمعان خواهد درخشید، زیرا اراده و مقصود حضرت بهاء‌الله چنین است.^{۲۵} (ترجمه - مکتوب ۱۴ و ۱۹۹۲ از طرف بیت‌العدل اعظم به یکی از احباء)

۱۱۶- تعالیم امر مبارک در خصوص لزوم توجه به تعلیم و تربیت اطفال و تقویت حیات عائله کاملاً روشن است. مسأله‌ای که شما بدان عطف توجه نموده‌اید زمانی ایجاد می‌شود که احباء با صلاهی مستمر در تقاضای مساعدت در ترویج امر مبارک، در فعالیت‌ها اداری جامعه بهائی و امر تحکیم مواجه می‌شوند. معضل آنها اتخاذ تصمیم است که، با توجه به محدودیت وقت، نیرو و منابعی که کلیه بهائیان با آن مواجهند، بدون غفلت از مسئولیت‌های خود نسبت به فرزندان و سایر اعضاء عائله، چگونه این تقاضاها را اجابت نمایند.

هیچ رویکرد صحیح واحدی برای حل این معضل وجود ندارد، زیرا شرایط فردی بسیار متفاوت است. اما، این مطلب واضح است که بهائیان باید سعی در ایجاد تعادلی نمایند که در آن نیازهای مشروع و بحق فرزندان و خانواده، همراه با احتیاجات جامعه بهائی خارج از خانواده و رشد آن، ملحوظ گردد. با توسعه خانواده، تلاش آگاهانه باید برای جذب کلیه اعضاء آن به امور امری به نحوی صورت گیرد که فرزندان با امر

^{۲۴} نقل ترجمه خطابه ژانویه ۱۹۱۳ (در لندن) حضرت عبدالبهاء از صفحه ۱۶۶ بهاء‌الله و عصر جدید

^{۲۵} مترجم: این لوح مبارک به انگلیسی ترجمه شده و در انتهای کتاب *Paris Talks* درج گردیده است. اصل آن مشاهده نشد.

مبارک احساس یگانگی نمایند و اشتغال والدین به فعالیت‌های مزبور را با بیزاری نگاه نکنند؛ این باید از طریق جریان تشویق و پرورش صورت گیرد و انگیزه اعضا خانواده از طریق مشورت خانوادگی استمرار یابد. (ترجمه - مکتوب ۲۰ سپتامبر ۱۹۹۲ از طرف بیت‌العدل اعظم به یکی از احباء)

۱۱۷- کلیه سؤالات شما به موضوع حیاتی تعلیم و تربیت اطفال مربوط می‌شود. بیت‌العدل اعظم آن را در نهایت درجه اهمیت می‌دانند به نحوی که والدین باید سعی کنند به فرزندان خود مساعدت نمایند که تعلیم مبارک را به طور مستمر و منظم مطالعه نمایند، به زندگی خود روحانیت ببخشند، و به خصائل منطبق با موازین حضرت بهاءالله متصف شوند. موفقیت در تحقق این وظائف حیاتی از طرف والدین سبب تقلیل خطر گرفتار شدن فرزندان در دام نیروهای مخربی که از جمله ویژگی‌های نظم اجتماعی منحطی است که به شدت محتاج تجدید نیرو است، و محروم شدن آنها از فیض شفابخش حضرت بهاءالله خواهد شد. (ترجمه - مکتوب دوم ژوئیه ۱۹۹۵ از طرف بیت‌العدل اعظم به یکی از احباء)

۱۱۸- صیانت فرزندان از تأثیرات سوء اخلاق جامعه معاصر یکی از معضلات عظیمی است که والدین بهائی با آن مواجهند. اظهار نگرانی شما درباره تأثیری که رسانه‌ها، بخصوص برنامه‌های تلویزیون، بر کودکان دارد، با نظر موافق ملاحظه گردید. همانطور که کاملاً واقفید، هیچ راه عملی وجود ندارد که بتوان اطفال را به کلی از مسائل اخلاقی جامعه‌ای که در آن رشد می‌کنند حفظ کرد. بنابراین، این وظیفه به عهده والدین محول شده تمام آنچه را که در قوه دارند به کار برند تا فرزندانشان از اوان طفولیت، چه در کلاس‌های امری تحت حمایت تشکیلات بهائی و چه با تعلیمات اخلاقی و سرمشقی که در منزل دریافت می‌کنند، از تربیت اخلاقی بهره‌مند گردند. مجموعه منتشر شده درباره تعلیم و تربیت بهائی رهنمودهای مفید بسیاری در بر دارد.

چون امکان ندارد که اطفال بهائی از مجاورت با رفتار زشت و ناخوشایند اجتناب نمایند، این مطلب حائز اهمیت می‌شود که مواجهه اطفال با چنین رفتاری از طریق رسانه‌ها و زندگی روزمره به نحوی خردمندانه توسط والدین به عنوان وسیله هدایت و مساعدت به آنها برای درک اهمیت عملی و روحانی متفاوت بودن مورد استفاده قرار گیرد. تعیین میزان کاهش تماس فرزندان با چنین تأثیراتی که شما طالب آن هستید به

قضاوت خود شما واگذار می‌شود که با توجه به تعالیم مبارکه تصمیم بگیرید. (ترجمه - مکتوب ۴ سپتامبر ۲۰۰۱ از طرف بیت‌العدل اعظم به یک زوج بهائی)

۱۱۹- بیت‌العدل اعظم از وقوف بر محبت شما به جمال مبارک و میل شدید شما به خدمت امرالله و کسب رضای الهی مسرور شدند. راه‌های زیادی وجود دارد که بتوان خدمت کرد، و هر شخصی باید بنفسه انتخاب کند که چه کاری را در محدوده امکانات و محدودیت‌های خویش می‌تواند به بهترین وجه انجام دهد. فرصت‌های خدمت به امر مبارک ضرورتاً منافی با امکان مساعدت به خانواده خود نیست. توجه به این مطلب حائز کمال اهمیت است که هر وجهی از زندگی شخص عبارت از عنصری از خدمت به حضرت بهاءالله است: محبت و احترامی که شخص برای والدین خود قائل است؛ پیگیری تحصیلات خویش؛ حفظ صحت کامل؛ فراگیری حرفه و فن؛ رفتار شخص نسبت به دیگران و حفظ موازین عالی اخلاقی؛ ازدواج و پرورش اطفال؛ فعالیت‌های شخص در تبلیغ امرالله و در افزایش قوت جامعه بهائی؛ و، البته، ادعیه روزانه و مطالعه آثار مبارکه. (ترجمه - مکتوب ۲۲ سپتامبر ۲۰۰۲ از طرف بیت‌العدل اعظم به یکی از احباء)

۱۲۰- در رابطه با این سؤال که آیا شما باید برای ازدواج رضایت والدین خود را کسب کنید، شرایط بسیار نادری وجود دارد که که شرط مزبور را در خصوص پدر و مادر، هر دو یا یکی از آنها، غیرعملی سازد: اگر والد وفات کرده باشد؛ اگر به نحوی قابل تأیید از سلامت عقلی محروم باشد و به این ترتیب قادر به اتخاذ تصمیم حقوقی نباشد؛ اگر مفقودالاثرا باشد؛ اگر فرزندش را عاق کرده یا رسماً از قبول مسئولیت فرزندش صرف نظر کرده باشد؛ اگر شدیداً با فرزندش سوءرفتار داشته است. مواردی از دو نوع آخر چنان دامنه وسیعی از وضعیت‌ها را در بر می‌گیرد که معمولاً هر قضیه را باید برای ملاحظه بیت‌العدل اعظم جداگانه به ساحت رفیع تقدیم نمود. (ترجمه - مکتوب ۱۹ دسامبر ۲۰۰۶ از طرف بیت‌العدل اعظم به یکی از احباء)

۱۲۱- شما نگران کاربرد این اصل^{۲۶} در رابطه با تعلیم و تربیت فرزندان و جوانان هستید و سؤال می‌کنید که آیا قابل قبول خواهد بود که فرزندان به اختیار خود بخواهد که بهائی نباشد. یکی از راه‌های پی بردن به مقصود از

^{۲۶} تحریر حقیقت

تحری حقیقت در این زمینه تصدیق منصفانه بودن آزادی افراد برای اتخاذ تصمیم برای خویشتن بر مبنای تحقیقات شخصی و اعتقاد باطنی که به چه امری معتقد خواهند بود و تحمیل نکردن هیچ تکلیفی به آنها برای پذیرش غیرارادی معتقدات والدین خویش یا سایرین است. این بدان معنی نیز هست که فرد بالغ باید مسئولیت اتخاذ تصمیمش را بپذیرد که به چه نظام اعتقادی خود را پای‌بند خواهد ساخت. اطفالی که توسط والدین بهائی با عرفان به امر مبارک پرورش یافته‌اند از نفس خصوصیت تعلیماتی که فرا گرفته‌اند در خواهند یافت که باید مسئولیت مزبور را شخصاً در مورد خویش به عهده بگیرند. این نکته در هدایت حضرت ولی امرالله در مکتوب نوشته شده از طرف هیکل مبارک به یکی از محافل روحانی ملی مندرج است: "چون طفل به مرحله بلوغ واصل گردد، باید آزادی کامل به وی اعطاء شود تا دیانت خویش را بدون توجه به آمال و احساسات والدین اختیار نماید."^{۲۷}

علی ایّ حال، اطفال از اوان طفولیت به تعلیم و تربیت اخلاقی محتاجند تا آنها را حداقل به تعامل اجتماعی‌شان با دیگران به ترقی و پیشرفت قادر گرداند. هسته مشترک در تعلیمات اخلاقی را می‌توان در جمیع صحف مقدسه منزله یافت و برای والدین بهائی مقتضی، بل ضروری، است که در هدایت فرزندان بدان سوی که موجوداتی روحانی و اعضاء محترم، برازنده و شریف جامعه شوند، به اصول خود وفادار باقی بمانند. به هر حال، حضرت بهاءالله وظیفه تبلیغ امرالله را به کلیه مؤمنین به خود واگذار فرموده آن را افضل الاعمال توصیف فرموده‌اند. حقیقه عجیب خواهد بود که مادری بهائی با وقوف بر این مطلب آنچه را که درباره جدیدترین ظهور الهی به نفوس دیگر ابلاغ می‌کند از فرزند خود دریغ نماید. به علاوه، جمال مبارک به والدین امر فرموده‌اند که تعلیمات روحانی را از اوان طفولیت به فرزندان خود عرضه کنند، اما باید این کار به نحوی انجام شود که به حمیه جاهلیه منجر نشود.

اگر اطفال به کلی به حال خود رها شوند که راه خود را در زندگی شخصاً بیابند، انطور که وضعیت اسفناک جوانان در جامعه امروز به وضوح نشان می‌دهد، با آینده‌ای مبهم مواجه خواهند شد. از جمله مواردی که باید در

^{۲۷} مکتوب ۱۴ دسامبر ۱۹۴۰ از طرف حضرت ولی امرالله به محفل روحانی ملی هندوستان مندرج در صفحه ۸۶ Dawn of a New Day / نقل ترجمه از صفحه ۱۰۶ آثار مبارک که

در باره تعلیم و تربیت بهایی

اطفال القاء گردد تا آنها را برای آتیه ایام آماده سازد فضیلت انصاف است، که بر اهمّیت مشاهده به چشم خود نه به چشم دیگران - به عبارت دیگر بر اهمّیت تحرّی حقیقت - تأکید دارد. بدون نوعی تعلیم یا راهنمایی، شخص نمی‌داند به تحرّی حقیقت پردازد. این مورد در خصوص دانشمندی که بدون حصول آمادگی با استفاده از تعلیمات اکتسابی به زحمت می‌تواند حقیقت مادی را کشف کند، مصداق دارد. آزادی و فضای باز امر مبارک برای یادگیری باید در احبّاء اطمینان ایجاد کند که به آنها توانایی برخورداری از اذهان محقّق و جستجوگر اعطاء شده است. هرچه تعلیم مبارک را بیشتر مطالعه نمایند این توانایی بیشتر بیدار شده افزایش خواهد یافت. (ترجمه - مکتوب ۳۱ ژوئیه ۲۰۰۷ از طرف بیت‌العدل اعظم به یکی از احبّاء)